



روزگار است آنکه گه عزت دهد گه خوار دارد

پدیدآورده (ها) : نوایی، عبدالحسین
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1374 - شماره 19 و 20
از 51 تا 83
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/98652>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 30/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

«روزگار است آنکه گه عزت دهد گه خوار دارد»

دکتر عبدالحسین نوایی

شد. اکتای قسآن هم یکی از چهار پسر شاهزاده حسنعلی میرزا شجاعالسلطنه است که پدرش بر اثر دسیسه قائم مقام در عهد پدر ناصرالدین شاه یعنی محمدشاه کور و زندانی شد و پیداست که در این دو وصلت مصالح سیاسی منظور بوده و ازدواج شاه قاجار با این دو بانو احتمالاً قصد تحبیبی از خانواده آنان.

دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب دیگر خود به نام «یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه»^(۵) هم شرح مفصّلی از زنان شاه نیاورده و مختصر مطالبی هم که نوشته بسیار شتاب‌آمیز و زودگذر است و توگویی می‌خواسته هرچه زودتر از این بحث بگذرد. در حالی که مسلماً تک‌تک آنان را می‌شناخته و از کم و کیف کاروبار آنان خبر داشته. زیرا، مادرش عصمت الدوله از دختران بزرگ شاه بوده و خود او نیز به مناسبت انتسابش به دربار و خردسالی‌اش، هر روزه در حرمسرای شاه رفت‌وآمد داشته است.

اعتمادالسلطنه محمدحسن خان نیز در کتاب المآثر و الآثار، آنجا که از نام و نسب شاه و زادگاه و زمان تولد وی می‌نویسد ذکری از زنان شاه

از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه و حرمسرای او اطلاعات فراوانی در منابع و مراجع نیامده و هیچگونه کتاب جامعی هم در این باره در دست نیست. حتی نوه دختری او دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب رجال عصر ناصری^(۶) تنها از «مهد علیا» مادر شاه نام برده و فصلی بدو اختصاص داده و فصلی^(۷) به خواهران شاه یعنی عزت الدوله خواهر تنی و عزالدوله^(۸) خواهر ناتنی وی. و اگر از تنی چند از همسران شاه در کمال اختصار، در حد شناسایی مختصر، نام برده به مناسبت ذکر پسران شاه است و بدین تقریب است که در ذکر نام نصرت‌الدین میرزا سالارالسلطنه از مادرش زینت‌السلطنه دختر محمدحسن خان سالار نام می‌برد و در بیان حال شاهزاده محمدرضا میرزا رکن‌السلطنه از خانم بدرالسلطنه دختر اکتای قسآن میرزا و در ذکر شاهزاده حسنعلی میرزا یمین الدوله از مرجان خانم ترکمان و در شرح حال شاهزاده احمد میرزا عضدالسلطنه از مادرش به نام^(۹) خانم توران‌السلطنه سالار را می‌شناسیم. همان است که از اواخر سلطنت محمدشاه در خراسان سر به طغیان برداشت و سرانجام در زمان ناصرالدین شاه سرکوب و در محکمه صحرائی محاکمه و محکوم به اعدام

می‌کند، اما فقط از «مخدرات و محبباتی از پردگیان سرادق جلال» نام می‌برد که «در ظرف زمان این چهل سال شمسی از شاهنشاهی اعلیٰ حضرت ظل‌اللهی، به یکی از دو مزیت عظمی و شرافت کبری که یکی ازدواج دائم است و دیگر سعادت ولادت اختصاص داشته‌اند» و از «منقطعان از جواری و غیر امهات اولاد از سراری» نام نبرده هرچند از بانوان و حظایای بزرگ و دولت امتیاز سترک بوده باشند و به طور ساده‌تر بگوییم یا از زنان عقدی شاه نام برده یا از صیغه‌هایی که بچه‌دار شده‌اند. برطبق نوشته اعتمادالسلطنه شاه شش زن «دائمی» یعنی «عقدی» داشته. به حسب تقدم زمانی، نخستین زن عقدی شاه «گلین خانم» بوده که «از عهد ولایت عهد به حباله نکاح ابدی و رقبه ازدواج دائمی» درآورده بود و ظاهراً همان خجسته خانم دختر شاهزاده احمدعلی میرزا بوده و گلین خانم عنوان اوست که در ترکی به معنای «عروس» است. نخستین ولیعهد شاه به نام سلطان محمود میرزا از بطن این بانو بود که در یازده ماهگی درگذشت. و دومین زن عقدی وی تاج‌الدوله بود، مادر چهارمین ولیعهد شاه به نام سلطان معین‌الدین میرزا که او نیز در شش ماهگی از جهان رفت. از این بانو دختری نیز متولد شد که عصمت‌الدوله لقب یافت و همو بود که زن دوست محمدخان معبرالممالک شد و مراسم عروسی این دو از لحاظ شکوه و جلال و تدارکات مختلف و خرجی که شد و دسته‌های خوانندگان و نوازندگان که از کشمیر و کابل آمدند و عروس را با فیل به خانه شوهر بردند دیگر در تهران نظیر نیافت^(۶۶) و حتی عروسی مفصلی که یحیی خان مشیرالدوله برای ازدواج پسرش حسین خان با قمرالدوله نوه شوکه‌السلطنه دختر مظفرالدین شاه گرفت و هفت روز طبقات مختلف شهر را پذیرایی کرد^(۶۷) و کرزون در کتاب ایران و مسأله ایران از آن یاد کرده^(۶۸) در جنب عروسی عصمت‌الدوله حقیر به نظر می‌رسید^(۶۹)

سومین زن عقدی شاه شکوه‌السلطنه بود مادر مظفرالدین میرزا (شاه) که در سال چهارم سلطنت پا به حریم حرم شاهی گذاشت و چهارمین زن عقدی وی ستاره خانم تبریزی بود که ناصرالدین میرزا در تبریز گرفته بود. ولی اولاد این زن در کودکی درگذشتند و شاید بدین جهت بود یا بدان جهت که جیران خانم فروغ‌السلطنه اصراری در «عقدی» بودن داشت که شاه ستاره خانم را «موافق موازین شرعی و قوانین اسلامی» به موقع منقطعان تنزیل داده مقام وی را با فروغ‌السلطنه تبدیل نمود و به عبارت ساده‌تر او را که زن عقدی بود طلاق داد و به عنوان صیغه در دربار نگه داشت تا بتواند جیران را عقد کند. زیرا برطبق قوانین اسلامی مرد بیش از چهار زن عقدی نمی‌تواند داشته باشد. جیران خانم دختر محمدعلی خان تجریشی بود که شاه او را سخت دوست می‌داشت. فرزند اولی این زن سلطان محمد میرزا بیش از هشت روز نماند و فرزند دوم او بنام محمدقاسم میرزا که ولیعهد دوم ناصرالدین شاه بود در پنج سالگی دیده از جهان فروست و فرزند دیگر او سلطان رکن‌الدین میرزا که ظاهراً ولیعهد چهارم شاه بود و امیر توپخانه مبارکه، نیز در سه سالگی مرد. دختری نیز از جیران خانم به دنیا آمد که خورشید کلاه نام داشت و در دو سالگی فوت شد و آن زن محبوب شاه خود نیز در عین جوانی چشم از جهان پوشید و شوهرش برای او مقبره‌ای زیبا ترتیب داد، در کنار حضرت عبدالعظیم و وقتی هم که در همان حرم مطهر تیر خورد خود را به طرف قبر جیران کشید تا در کنار محبوبه خویش بسیار آمد. ناصرالدین شاه تا

آخر عمر یاد آن گمشده را گرامی داشت، تازه بود خانه و اثاث و مایملک او را دست نزد و لقب او را و خانه او را به کسی نداد.^(۷۰)
شعر جانسوزی در دیوان اوست به مطلع:

روزی دلم گرفت ز اندوه هجر یار
آمد به یادم آن رخ و آن لعل آبدار
آن چشم همچو آهو و آن قد همچو سرو
آن ابروی کمان و سر زلف تابدار^(۷۱)

که نشان می‌دهد شاه به یاد محبوبه خویش به مأوی و منزل آورفته و خانه را تاریک و غم‌انگیز دیده است و چه بسا که در آن سکوت و تنهایی فارغ از خشم شاهنشاهی و هیمنه سلطنت به های های گریسته است.
ششمین زن عقدی خانم سرورالدوله بود دختر امامقلی میرزا عمادالدوله پسر ششم شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه، نخستین پسر فتحعلی شاه. این زن در خانه شوهر خویش فرزندی نیاورد و ۲۸ ماه نیز بیشتر نماند و رخت به خانه آخرت کشید. خواهر این سرورالدوله اشرف‌السلطنه زن محمدحسن خان اعتمادالسلطنه بود و به تعبیری دیگر اعتمادالسلطنه و ناصرالدین شاه باجناب بودند و به قول اصفهانی‌ها «همریش».

اما از زنان «غیر دائمیات» از همه مهمتر و شاید قدیمتر عفت‌السلطنه است مادر سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان و برادرش سلطان حسین میرزا جلال‌الدوله که در شانزده سالگی، در حکومت خراسان درگذشت. ظل‌السلطان بدین برادر ناکام چندان دل بسته بود که نخستین فرزند خود را سلطان حسین میرزا نام نهاد و لقب جلال‌الدوله را از شاه برای وی گرفت تا همیشه نام و لقب برادر را به چشم ببیند و به گوش بشنود و به دل «حسن» کند. و دیگر از «غیر دائمیات» مهم بانو منیرالسلطنه است دختر محمدتقی خان معمارباشی و مادر کامران میرزا که لقب نایب‌السلطنه و عنوان امیرکبیر داشت و خیابان امیریه و منیریه در امتداد خیابان ولی عصر نشان از عنوان آن مادر و پسر می‌دهد.

از این دو بانو که به مناسبت وجود پسرانشان مکانتی و حرمتی خاص داشتند بگذریم، ناصرالدین شاه «غیر دائمیه» زیاد داشته. وی خود چند تن از آنها را نام برده اما نه به آشکار که به راز و رمز. در نسخه‌ای از سفرنامه عتباتش، اغلب شبها پس از ذکر وقایع، با حروف لاتین نام بسیاری از آنان را برده و از حریف شبانه یاد آورده است و حتی یک جا خواسته بنویسد «شیرازی کوچک» به غلط نوشته پتی، (Petit) بدون t و بدون e که علامت تأنیث است (Petite). نام بعضی از این «غیر دائمیات» را همه می‌دانند. من جمله انیس‌الدوله که از اهل امامه لواسان و نام اصلیش فاطمه بود. این انیس‌الدوله زنی باهوش و چیز فهم و غمخوار مردم فقیر بود و به شوهر خود دل بستگی تمام داشت. اما با همه دل بستگی، باز به شوهر اعتراض می‌کرد که چرا به ستم‌دیدگان و دردمندان نمی‌رسد و حتی یک دفعه به شاه نامه نوشت که شما حاکمی را هنوز یک سال نشده، به انتظار دریافت پیشکش مجدد از متقاضی دیگر، عزل می‌کنید، آیا توجه می‌کنید که حکام مقدار پیشکش بلکه بیشتر را از مردم می‌گیرند و در یک سال چند بار مردم باید پول بی‌جهت بدهند که حاکم وجوه پیشکشی را درآورد^(۷۲). اما هر

قدر این زن راست و درست و پاک و پاکیزه و صادق و صمیمی بود، امین اقدس زرننگ و حسابگر و موقعیت طلب و فرصت جوی بود که می خواست محبت شاه را نسبت به خود ثابت بلکه روزافزون نگه دارد، و همو بود که ملیجک ثانی برادرزاده خود را در چشم و دل شاه چندان جلوه بخشید که شاه آن طفل زردنبوی کوتاه قد و کتیف را که چشمانش همیشه قی آلود بود از فرزندانش بیشتر گرامی می داشت. نام اقدسیه منطقه ای در شرق نیاوران از نام این زن مأخوذ است. بگذریم که قصد ما فقط اشارت است نه حکایت.

دیگر از همسران غیر دائمیه یا صیغه های شاه دو خواهرند به نامهای عایشه خانم و لیلا خانم. زیارویانی از خطه مازندران از منطقه یوش زادگاه نیما شاعر پرآوازه عصر ما. اول بار شاه به عایشه خانم دل بست و اما بعد که خواهرش را دید، زیباتر و دلرباتر و جوانتر و شاداب تر، با خواهر بزرگتر سردی نشان داد و به خواهر کوچکتر روی آورد، عایشه خانم هم از خواهر حق ناشناس رنجید و با او به هم زد و در تنهایی در غم بی مهری شوهر و بی وفایی خواهر، گریست. تا این که شاه از آن شور و حرارت نخستین افتاد و لیلا خانم نیز به سرنوشت عایشه خانم دچار شد. غم مشترک دو خواهر را به هم نزدیکتر ساخت و باز سوتهدلان گرد هم آمدند تا از روزگار با هم گله کنند. عایشه خانم و لیلا خانم باز در کنار یکدیگر قرار گرفتند تا شاهد جلوه گریهای نورسیدگان باشند. با این همه یک چیز آنان را دلخوش می داشت و آن وجود دخترکی بود به نام زهرا که لیلا خانم از ناصرالدین شاه داشت. این زهرا خانم را لقب ایران الملوک دادند و مادر و خاله بدین دخترک آویختند تا محبت شاه را حفظ کنند. شاه هم هر دو را با هم در حرم خویش داشت. هر چند که جمع اختین در اسلام روانیست و مرد مسلمان نمی تواند دو خواهر را همزمان در حباله نکاح داشته باشد ولی ناصرالدین شاه ظاهراً سالی شش ماه عایشه خانم را در «صیغه» داشت و سالی شش ماه لیلا خانم را و سالی دوازده ماه هر دو را در حرم شاهانه. این دختر بعدها زن پسر دانی خود ابراهیم خان پسر سردار امجد پوشی میرزا عبدالله خان شد. اما زهرا خانم که دیگر افتخار السلطنه شده و زنی درس خوانده و فرهیخته شده بود، به زودی از شوهر خود طلاق گرفت و زن نظام السلطان شد. این زن همان است که عارف درباره اش گفت افتخار همه آفاقی و محبوب منی. در این میان کار میرزا عبدالله خان، برادر دو خواهر از همه مهمتر بود. زیرا با آن که هیچگونه اهلیت و استحقاقی نداشت، به زور دو خواهر زیبای خود، حاکم مازندران شده بود و خوب می دانست که چه باید انجام دهد تا کیسه را زودتر و بیشتر پر کند^(۱۳)

باز هم از غیر دائمیات شاه قاجار خبر داریم و خانم باشی را می شناسیم. این دختر هم اسمش فاطمه بود و پدرش شغل باغبان باشی داشت یعنی رئیس باغبانها. لذا او را دختر باغبان باشی می گفتند و چون این اسم آسان در دهان نمی گردید و طولانی بود تدریج شد خانم باشی. درباره این زن حرفها می زدند و طبیعی است که درباره زن جوان و شوهر پیر همه جا و همه جور سخنی است. ناصرالدین شاه به این زن که چشمانش سخت به چشمهای جیران می مانست، دل بسته بود. خوشبختانه وصف روشن و دقیق و گویایی از این زن در دست داریم همراه با داوری محبت آمیزی، آن هم از دختر شوهرش خانم تاج السلطنه که خود از زیارویان زمان بود. تاج السلطنه پس از بیان شرحی در باب زنان پدر خود

که چگونه عصرها بالاستمرار دو ساعتی مشغول توالث و لباسهای رنگارنگ بودند و خود را مثل رب النوعها می ساختند تا به حضور سلطان جلوه کنند می نویسد:

«اولی امتیازی مابین هیچ کدام در پیشگاه حضرت سلطان نبود مگر یک نفر از آنها که محبوب القلوب و بی اندازه طرف توجه بود. این زن جوانی بود تقریباً بیست ساله، قد بلند، با موهای سیاه و بشرة لطیف سفید، چشما بی اندازه قشنگ و مخمور، مژه ها برگشته و بلند، خیلی خوش مشرب، خوش سلوک، با تمام مراسم حضرت سلطان متواضع و فروتن و مهربان و خیلی ساده و بدون آرایش. پدرش باغبان، از تحصیل تمدن بکلی عاری و این زن را لازم است ما بشناسیم. زیرا که اشخاص بدخواه و آن کسانی که به او رشک می بردند و نمی توانستند با او در مقام عناد برآیند، او را پس از قتل حضرت سلطان متهم و لکه دار نمودند. ولی من دامن او را از اسیر گناه مجبرا می دانم. اگر پدرم را دوست نمی داشت، اقتدارات شخصی خود را که دوست می داشت و هیچ وقت راضی به قتل او و تنزل خود نمی شد^(۱۴)»

آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد. اما با توجه به شهادت افراد متین و خردمندی که هرگز لزومی نداشت بدو رشک برند و در مقامی بودند که نمی خواستند با او بر سر عناد باشند نمی توان او را بکلی بی گناه دانست. زیرا درست است که او راضی به قتل شاه نبود ولی وی آلت دست مرد باهوش و حيله گری چون امین السلطان بود و جهل و سبکسری آن زن جوان، بکلی از تمدن عاری، مانع از آن بود که بداند رفتار او تا چه اندازه به خیالات بد دشمنان شاه کمک می کند. به طور خلاصه می توان گفت که آن زن بیست ساله شوهری داشت در حدود شصت و پنج شش ساله و پیداست چنین زن جوان و زیبایی نمی توانست شوهر پیر خود را از دل و جان دوست بدارد خاصه آن که شوهرش تنها با او نبود بلکه زنهای دیگر هم داشت و از آن بدتر، آن زن فرزندی نیز نداشت تا دل بدو خوش کند و در قفس زرین از جوجه خود مراقبت نماید. چنین بود که نه به مهر شاه می توانست تکیه کند نه به آتیه ای روشن. از این رو بد قلمی می کرد و هر چه شاه بیشتر بدو اظهار نیاز می کرد، وی بیشتر ناز می نمود و خلاصه این ناسازگاریها بدانجا کشید که شاه پیر از وزیر جوان سی ساله زیبای خود در این مشکل یاری خواست و او نیز به عنوان نصیحت آن زن و تفرج خاطر غمین وی هر روز کالسکه خود را می فرستاد تا محبوبه بهانه جوی و ناسازگار شاه را به گردش ببرد و از این طریق درد دل وی راه یافت و چنان که نوشته اند او را به جانب خویش کشید تا از اسرار حرم و خیالات شاه آگاه گردد. تا آنجا که بر دفترچه ای که شاه در کمال اختفا هر شب، در نیمه های شب، در پرتو نور لوزان شمع می نوشت و دفترچه را همواره با خود به این سوی و آن سوی می برد دست یابد. این مطلبی است که هم تاج السلطنه بدان اشاره کرده هم میرزا علی خان امین الدوله یعنی دو نفری که گمان رشک و دروغ و عناد در آنان نمی رود. ببینید امین الدوله - هر چند در لفافه عبارات ادبی - چه می نویسد:

«صدر اعظم کار را به کام دید و عیش مدام گرفت. به عنوان نصح و صلح قلمی برداشت و با مخدره دوستی محکم کرد. راز و نیاز و هل و گل که به دست عزیزخان خواجه به حرمسرا می فرستاد، پیش شاه از باب تالیف و اسباب تجلیب و منع برودت و کدورت و تحریض به گرمی و



از کتاب عکس‌های زنان ناصرالدین شاه

باری اسم این دختر ماه رخسار بود. شرح این ماجرا را بهتر است از زبان تاج السلطنه در خاطراتش بشنوید، عندلیب آشفته‌تر می‌گوید این افسانه را. «در همین ایام پدر من عشق پیدا کرده بوده دختر دوازده ساله‌ای که خواهر زن او بود. دختر همان باغبان که دختر اولش شریک سلطنت ایران و دختر دومش می‌رفت که در شرکت توسعه بدهد. این خواهر همان زنی بود که سالها مورد الطاف ملوکانه واقع و هرچه می‌خواست می‌کرد. دختری بود سرخ و سفید با چشمهای سیاه و درشت، دیوانه و دارای تقاضاهای عجیب. اسم او ماه رخسار و تقریباً حقیقت داشت زیرا که بی‌اندازه مطبوع بود. زیانتش به قدری شیرین و کلماتش به قدری نمکین بود که نحواسته مجذوب می‌شد. اول این عشق یک هوس و خیالی بود کم‌کم می‌رفت که خیلی بزرگ بشود.

عجب در این بود که این دختر دوازده ساله به پدر من اظهار عشق و تملق کرده بود، و این دختر عشق خود را با کارهای کودکانه که از روی کمال صداقت و درستی بود اثبات می‌نمود. مثلاً با منع و زجری که از طرف خواهر بزرگش می‌دید، باز وقتی که پدرم را می‌دید، دوان دوان خود را به آغوش او انداخته با گریه می‌گفت آه آمدی خوب کردی آمدی امروز ده مرتبه بیشتر مرا کتک زدند. برای این که دل من برای تو تنگ شده بود و برای تو گریه کرده عکس تو را می‌بوسیدم»^(۱۹۷).

ظاهراً این ماه رخسار آخرین زن «غیر دائمیه» شاه قاجار بوده است. زیرا که سلطان پیر دیگر به هفتادمین مرحله عمر نزدیک می‌شد و مسائلی مانند جشن پنجاهمین سال سلطنت مانع از آن بود که به چنین مسائلی بیندیشد.

اما درباره کنیزان یا به اصطلاح آن روزگار «جواری» شاه قاجار کمتر اطلاعی در دست است خاصه آن که موضوع برده خریدن و کنیز داشتن آن

مودت با شاه به شمار می‌آمد و در معنی راه الفتی بود که وزیر نیکو سیر با مستوره می‌پیمود. اجرای چنین خیانت و فرصت ملاقات و صحبت به بهانه دیدار پدر و مادر و زیارت مقابر مقرر آمد و چنان بود که کالسکه صدراعظم آمده مخدره را به تفرج می‌برد^(۱۹۵).

بگذریم که این داستان مفصل است و بنای کار ما در این جا بر اختصار^(۱۹۶). اما قضیه به همین جا خاتمه نیافت. زیرا شاه قاجار که از محبوب خویش جز جفا و ناز و استغنا نمی‌دید دل در گرو عشق خواهر دوازده ساله او نهاد. داستان عشق و دلدادگی شاه به این بچه دوازده ساله شنیدنی است و به نظر من نشانه کمال سرخوردگی شاه قاجار است از آن همه تملقها و مدیحه‌سرانیهای ظاهری و بدگویی‌ها و زشت‌کاریها و بداندیشیهای باطنی درباریان و حیل‌گری و دورویی و زبان‌بازی و جنبل و جادوی زنان. شاه که از آن‌گونه درباریان و این‌گونه زنان حرم خود خسته شده بود پناه به کودکی دوازده ساله معصوم برده بود و به نظر صرفاً برای این که در آن سنین کودکی و بی‌خبری شاه خود را در کنار او آرام و آسوده خاطر می‌دید و عجیب آن که کودک نیز شاه را با جان و دل دوست می‌داشت بدون آن که به مسائل خاص زن در برابر شوهر بیندیشد و شاه هم فقط در دنیا جویای یک نفری بود که او را برای خود او دوست داشته باشد نه برای تاج و تختش یا برای قدرت و نفوذش یا برای پول و ثروت و امکاناتش، بنابراین شاه هم به آن طفل دوازده ساله به عنوان یک همسر و همبستر نمی‌نگریست خاصه آن که شاه دیگر پیر شده بود و دیگر به دنبال محبت بود نه همخوابگی و شهوت. شاه از آن کودک شیرین زبان فقط همان محبت معصومانه کودکانه را طلب می‌کرد نه کلمات حساب شده و احیاناً شهوت‌آلود زنانه را، همچنان که این عالم آسودگی و آرامش را در کنار عزیزالسلطان می‌جست.

دیگر بعد از شاه ایران نمی‌خواستند زن افراد عادی بشوند. در مجلس اول هم زنان شاه که با مستعمری مظفرالدین شاهی یک چند گذرانده بودند تجمع کردند و با همه تندی تقی‌زاده و خواجه تاشانش، وکلای مجلس اول را بر آن داشتند که مواجبه سالیانه برای آنان قرار دهد. در آن روزگار مواجب را سال به سال معین می‌کردند و می‌پرداختند (۲۰).

اما با گذشت زمان این زنان روز بروز درمانده‌تر و نیازمندتر می‌شدند. پیری و بیماری و لزوم حفظ آبرو و آنان را روز بروز محدودتر و منزوی‌تر می‌ساخت و کارشان به جایی کشید که دیگر نه می‌توانستند خرج زندگی را تأمین کنند نه امیدی به ماندن تا پایان سال داشتند. لاجرم باز به اظهار درد و عرض مطلب پرداختند که این مواجب سالیانه را ماه به ماه بپردازند یا مستعمری دختر درگذشته را به مادرش بدهند و این داستان تا روزگار روی کار آمدن محمدرضا پهلوی هم ادامه یافته که آگاهی (اداره تأمینات) مأمور تحقیق دربارهٔ صحت و سقم اظهارات و میزان دارایی شکایت‌کنندگان شده و «رپورتی» هم تنظیم کرده و در این گزارش نام زهرا خانم همان افتخار السلطنه هم آمده که سخت نیازمند است. روزگار است آن که گه عزت دهد گه خوار دارد.

اسناد ذیل که از آرشیو سازمان اسناد ملی ایران تهیه گردیده‌اند شرح بدبختیهای این بانوان حرمسرای ناصرالدین شاه است چه زنان چه دختران.

- ۱ - معبرالسلطانک دوستلی خان، رجال عصر ناصری، انتشارات نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.
- ۲ - فصل ۲۵، رجال عصر ناصری
- ۳ - ایضا فصل ۲۸
- ۴ - ایضا فصل ۲۴ از صفحه ۲۲۳ تا ۲۲۹.
- ۵ - معبرالسلطانک دوستلی خان، یادداشتهایی از زندگانی ناصرالدین شاه، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.
- ۶ - اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، المائر والاکار چاپ سنگی باب دوم، چاپ سری به نام «چهل سال تاریخ ایران»، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۳ ه. ش، ص ۳۵.
- ۷ - رجال عصر ناصری، ص ۳۹ - ۴۰. خانم کارلا سرنا ایتالیایی ظاهراً در این مهمانی دعوت داشته و شرح آن را نوشته.
- ۸ - ایران و قبیله ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ ج ۱ ص ۵۶۱.
- ۹ - نگاه کنید به جلد دوم کتاب زندگانی من عبدالله مستوفی تحت عنوان هم محل ما قبل را به ... واداشت.
- ۱۰ - یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ص ۴۰.
- ۱۱ - دیوان ناصرالدین شاه
- ۱۲ - درخصوص این زن، غیر از روزنامه محمدحسن خان اعتماد السلطنه، رجوع شود به روستای امامه و ایس الدوله، ابوالقاسم تقضلی، کتاب سران تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۳ - بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۴۶ جلد ۲ ذیل عنوان عبدالله خان انتظام الدوله سردار امجد یوشی ص ۲۹۹ به بعد.
- ۱۴ - تاج السلطنه، خاطرات، انتشارات نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ ص ۱۹/۲۰.
- ۱۵ - خاطرات سیاسی امین الدوله، به اهتمام حافظ فرمانفرمایان، تهران، ص ۱۷۵.
- ۱۶ - برای تفصیل بیشتر در این مطلب، رجوع کنید به ایران و جهان جلد دوم (قاجاریه) عبدالحمین نوایی، نشر هما، تهران، ۱۳۶۹، ص ۸۴۸ تا ۸۴۶.
- ۱۷ - خاطرات تاج السلطنه، ص ۴۶/۴۵.
- ۱۸ - خاطرات اعتماد السلطنه، به سعی ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۱ ه. ش. ص ۱۳۴.
- ۱۹ - تاج السلطنه، خاطرات، ص ۶۶.
- ۲۰ - بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۵، ص ۱۸۰.

هم برای شاه قاجار که مقررات بین‌المللی را مورد لغو برده‌داری در جهان شنیده بود و پدرش محمدشاه نیز بر این امر صحنه گذاشته و قراردادای امضاء کرده بود و حتی دولت انگلستان پذیرفته بود که مادام که دولت ایران به علت نداشتن نیروی دریایی نمی‌تواند کشتیهای مظنون به حمل برده را توقیف کند، دولت انگلستان این امر را انجام دهد. با این حال، اسناد به دست آمده نشان می‌دهد که در حرم شاهانه از «جواری» هم نمونه‌هایی بوده. یک موردش را خوب می‌شناسیم و آن خرید یک دختر چرکسی بود به مباشرت شیخ محسن خان مشیرالدوله در استانبول و قضیه آن بود که در سفر سوم شاه به اروپا، چون سفر طولانی شده بود و ناصرالدین شاه هم عادت به تنها در بستر خفتن نداشت، شاه از سفیر خود در عثمانی خواست که کنیزکی برای او دست و پا کند و او نیز چنان کرد و آن دخترک در طی سفر همه جا لباس مردانه می‌پوشید تا جلب توجه نکند. شرح حال این ماجرا را: اعتماد السلطنه در روزنامهٔ خاطرات خود آورده است همراه هزاران حرف و نقل دیگر.

باری، سخن به درازا کشید و گو این که به جایی هم نرسیدیم. قصد ما بیان مسائل حرم ناصرالدین شاه نبود بلکه می‌خواستیم سرنوشت این پروردگان ناز و نعمت و خفتگان در مشکوی شاه قاجار و سرنوشت آنان را بیان کنیم که اسناد ما از این دست‌اند.

باری پس از کشته شدن شاه قاجار، دیگر از آن حرمسرای پرشکوه اثری باقی نماند و مظفرالدین شاه، پس از برگزاری مراسم سوم و هفته پدر خویش آن جمع را برهم زد. تاج السلطنه می‌نویسد:

«بالاخره پس از یک هفته اعلان از طرف سلطان شد که تمام خانها هرچه دارند مال خودشان و از اندرون خارج بشوند جز خانمهایی که اولاد دارند و آنها را بفرستند به حیاط «سروستان» که منزل منیرالسلطنه مادر نایب السلطنه بود. منیرالسلطنه منزل را تخلیه کرده و به منزل برادر نایب السلطنه رفته بود. این زنهای بدبخت بی‌شوهر با هزاران درد و اندوه از محل عزت و استراحت خود کناره کرده تمام خارج شدند. خانمهایی که دارای اولاد بودند چند نفری بیشتر نبودند. مادر من بود، مادر یمین الدوله، مادر قدرت السلطنه، مادر شرف السلطنه، من و فرح السلطنه، عزیزالسلطنه و اشرف السلطنه و عزیزالسلطنه و قدرت السلطنه کوچک بودیم. بزرگترین ما سیزده سال داشت. دو برادر کوچک هم داشتیم، حیاط سروستان رفتیم و ما را مانند اسیر و محبوس در آن حیاط ها منزل دادند. (۱۸۸)»

ظاهراً علت این عجله، نزدیک شدن ساعت ورود حرم مظفرالدین شاه و نزدیکی روز مراسم تاجگذاری بود که می‌بایست همه از عزا درآیند. تو گویی فرامرز هرگز نبود.

به نظر می‌رسد که مظفرالدین شاه برای هر یک از زنان پدر یعنی نامادریهای خود مبلغی برای گذران می‌داده، زیرا زنان جوان خاصه بدون اولاد می‌توانستند شوهرانی دیگر بیابند همچنان که خانم باشی زن قهرمان خان حاجب الدوله شد و دو فرزند برای او آورد (۱۸۹). وی دو پسر هم برای ناصرالدین شاه آورده بود ولی به عرصه نرسیده سقط شدند. ماه رخسار هم لابد به عنوان «دوشیزه» به خانهٔ بخت خویش رفته ولی بسیاری از زنان ناصرالدین شاه چنین امکاناتی نداشتند. پنجاه سال ناصرالدین شاه پادشاهی کرده بود و زنانی که در طول این سالها به خانه او آمده بودند اندک اندک پا به سن گذاشته بودند. و دیگر کسی آنها را نمی‌گرفت و بعضی هم

سند شماره ۱

وزارت مالیه
اداره
خواتین مکرمات ۸

- | | | | |
|--|---|----|------|
| طاهره بیگم صبیہ مرحوم آقا سیدحسن خلخالی | : | ۱ | نمره |
| نیمتاج خانم ملقبه به ملوک صبیہ مرحوم محمدحسن میرزا معتضالدوله ^(۱) | : | ۲ | نمره |
| سیده مشهور به سیده فاطمه | : | ۳ | نمره |
| باجی خانم صبیہ حاج عباسقلی خان | : | ۴ | نمره |
| گوهرتاج خانم صبیہ میرزااعلی خان | : | ۵ | نمره |
| عالیه خانم صبیہ مرحوم سبحان خان خدابندهلو | : | ۶ | نمره |
| سکینه خانم صبیہ مرحوم سبحان خان خدابندهلو | : | ۷ | نمره |
| سرورالسادات صبیہ آجودان حضور | : | ۸ | نمره |
| صدیقه خانم، عذرا خانم صبایای مرحوم محمدرحیم بیگ | : | ۹ | نمره |
| هما خانم صدر جهان خانم من صبایای مرحوم احسن الملک | : | ۱۰ | نمره |
| فاطمه خانم صبیہ مرحوم آقا عبدالرحیم تبریزی | : | ۱۱ | نمره |
| صدیقه خانم صبیہ مرحوم حاج میرزا عبدالباقی اعتضادالاطباء ^(۲) | : | ۱۲ | نمره |
| کلثوم خانم عیال مرحوم میرزا حسین خان مدیرالسلطنه صبیہ مرحوم اسمعیل خان | : | ۱۳ | نمره |
| بتول خانم ملقب به مدیرالملوک صبیہ مرحوم میرزا حسین خان مدیرالسلطنه | : | ۱۴ | نمره |
| زیور خانم درة السلطنه صبیہ مرحوم نصراله خان شیرازی | : | ۱۵ | نمره |
| بلقیس خانم صبیہ مرحوم فرهاد | : | ۱۶ | نمره |
| آغایبگم، زهرا بیگم، صغری بیگم صبیہ مرحوم آقاسید صدرالدین | : | ۱۷ | نمره |
| زهرا بیگم صبیہ مرحوم میرزا رحیم نسخ نویس | : | ۱۸ | نمره |
| نیره خانم صبیہ آقا شیخ مهدی نوه مرحوم عبدالرزاق خان | : | ۱۹ | نمره |
| عذرا خانم صبیہ مرحوم عبدالرزاق خان نایب ایشک خانہ | : | ۲۰ | نمره |
| گوهر ملک خانم توران السلطنه صبیہ مرحوم محمدحسن میرزای معتضالدوله | : | ۲۱ | نمره |
| خان بالا صبیہ مرحوم میرزا حسین خان | : | ۲۲ | نمره |
| زهره خانم صبیہ مرحوم ملا جعفر | : | ۲۳ | نمره |
| ملک تاج خانم صبیہ غیاث الدین میرزا | : | ۲۴ | نمره |
| بیگم ناز خانم صبیہ مرحوم میرزا اسمعیل | : | ۲۵ | نمره |

۱ - محمدحسن میرزا معتضالدوله پسر شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه. محمدحسن میرزا که برخلاف پدر دانشمند و کوشایش مردی بی سواد و بی عرضه بود، مشهور بود به شاهزاده پیشخدمت.
۲ - میرزا عبدالباقی اعتضادالاطباء پدر دکتر جلیل خان و دکتر خلیل خان نقی است. (بامداد، شرح حال رجال، ج ۲ ص ۱).

سند شماره ۲۵

بارس نیل ۱۳۳۲ [ق. ه.]

نمره دوسیه ۳۷

بتاریخ شهر بارس نیل ۱۳۳۲

وزارت مالیه
اداره

دوسیه شهریه بعضی از زوجات و جواری مرحوم ناصرالدین شاه

نمره کاغذ	تاریخ هر کاغذ	خلاصه مطلب نوشتجات	از کجا و از کی	عدد نوشتجات دوسیه
ندارد	۲۱ سوال ۳۲	مقرر فرمایند حقوق کمینه گان را شهریه دهند	زوجات و جواری	۱
۴۷۱۲	۱۲ سوال	وزارت مالیه پیشنهاد می نماید که حقوق اشخاص مفصله به طور شهریه پرداخته شود	هیئت وزرا	۲
"	"	و نصیب ملک مقرر فرمایند حقوق کمینه گان را به طور شهریه بپردازند	مطبوع الدوله	۳
۵۳۴۵	۲۸ سوال	در باب حقوق شما بر طبق اظهارهای عمید حضور پیشنهادی به هیئت وزرا شده و منتظر تصمیم هیئت است	وزارت مالیه	۴
		مقرر فرمایند حقوق کمینه ها را به طور شهریه بپردازند	نصیب ملک	۵
۱۱۴۷۳	۲۵ حوت ۳۳	در خصوص حقوق شما و مطبوع الدوله ^(۱) پیشنهاد شده معلوم شد و صورت اسامی و حقوق سایرین را هم اشعار دارند	وزارت مالیه	۶
		مقرر فرمایند حقوق کمینه ها را به طور شهریه بپردازند	غنچه خانم	۷
۲۴۰۳	اول عقرب	مقرر فرمایند شهریه غنچه خانم، تحفه گل خانم و گلستان خانم ذوالفقارخان و مصطفی خان را بپردازند	سرورالسادات	۸
		هشت ماه از سال می گذرد و شهریه ما را نپرداخته اند و مقرر فرمایند بپردازند	عجب ناز	۹
۲۴۰۲۸	۵ عقرب	بفرمایید شهریه عقب افتاده این دو را بپردازند	سرور	۱۰
		مقرر فرمایند شهریه ما را بپردازند	غنچه خانم	۱۱

۱ - حاجیه مطبوع الدوله همان است که نامش را به لاتین در سفرنامه عتبات شاه دیدیم. اگر تصور کنیم که در آن روزگار یعنی در سفر به عتبات ۲۰ ساله بوده در هنگام مرگ شاه در حدود ۴۶ سال داشته و در تاریخ عرض حال زنی ۶۵ ساله.

سند شماره ۳

وزارت مالیه

نمره عمومی صادره ۲۴۰۲۸ تاریخ مسوده ۱۳۳۳، ۲۰ ذی الحجه توشقان نیل ۶ عقرب
کارتن ۲ دوسیه ۳۷

در جواب : در باب شهریه عقب افتاده آمنگل و عجب ناز جواری شاه شهید

مکتوب ۸ حوت

مسیو لولو^(۱) خزانه دار کل

آمنگل و عجب ناز جواری شاه شهید ناصرالدین شاه در باب شهریه عقب افتاده خودشان شرحی اظهار داشته اند. لازم است قدغن نمایند رعایت خاطر آنها را منظور و شهریه عقب افتاده شان را که جزیی است زودتر برسانند که آسوده شده و مجدد در مقام اظهار شکایت بر نیایند.

وثوق الدوله

سند شماره ۴

وزارت مالیه

نمره عمومی صادره ۱۱۴۷۳

کارتن ۲ دوسیه ۷

تاریخ مسوده ۱۸ برج حوت بارس نیل ۱۳۳۳ [ه. ق.] ۲۲ ربیع الثانی

در جواب نصیب ملک خانم در باب حقوق دیوانی مشارالیها و سایر زوجات و جواری شاه شهید ناصرالدین شاه مکتوب ۲۰ حوت عرض می شود در شرح مراسله سرکار علیه مستحضر شدیم حقوق سرکار علیه و حاجیه نوش آفرین خانم مطبوع الدوله مطابق صورتی که سابقاً داده شده بود به هیئت وزرای عظام پیشنهاد شده است دستور فرمایند به طور مشاھره داده شود. درخصوص سایر خانمها لازم است اشعار دارند حقوقشان چه مبلغ و به خرج کجا منظور است تا اقدام لازم به هیئت وزرا پیشنهاد گردد.

مهر : وزارت مالیه نمره ۶

۱ - لار Leleux از مستشاران بلژیکی است که در ۳۰ اکتبر سال ۱۹۰۳ به استخدام دولت ایران درآمد و تا ۱۹۱۵ در ایران بود و در ۱۹۱۴ رئیس کل خزانه شد.

سند شماره ۵

وزارت مالیه

نمره عمومی وارده ۵۵۸۹

نمره عمومی صادره ۵۳۴۰

کارتین ۲ دوسیه ۳۷

تاریخ مسوده ۲۷ ذیقعه، ۲۵ میزان بارس نیل ۱۳۳۲

در جواب مطبوع الدوله در باب حقوق بعضی از زوجات مرحوم ناصرالدین شاه

سرکار مخدره محترمه حاجیه مطبوع الدوله

درباب حقوق خودتان و سایرین شرحی اشعار داشته‌اید. از تفصیل اطلاع حاصل شد. چندی قبل آقای عمید حضور اقدامات لازمه را از وزارت مالیه خواستار شدند و تفصیل در ضمن پیشنهاد مخصوص به هیئت وزرای عظام عرض می‌شود. باید منتظر امر و اجازه آن هیئت معظم شد. به هر طور فرمودند اقدام می‌شود و از نتیجه آن مستحضر خواهید شد.

مهر: میرزا حسن خان مستوفی الممالک



سند شماره ۶

وزارت مالیه

نمره عمومی وارده ۳۹۵۹

نمره عمومی صادره ۴۷۱۹

کارتین ۲ دوسیه ۳۷

تاریخ مسوده ۱۳ شهر ذیقعه/ ۱۱ میزان بارس نیل ۱۳۳۲ [ه. ق.]

در جواب مورخه در باب مشاهده حقوق بعضی از جواری و زوجات مرحوم ناصرالدین شاه

مقام منبع هیئت وزرای عظام دامت شوکتهم

بر خاطر محترم آن هیئت معظم مکشوف است در این چند سال حقوق دیوانی عده کثیری از زوجات و جواری حرم خانة مرحوم ناصرالدین شاه طاب ثراه محل رعایت حال آنها به طور شهریه مقرر گردید. ولی زوجات و جواری مفصله:

زوجات: بالا خانم مرحامه السلطنه، خرج آمده خراسان دویست تومان/ حاجیه نوش آفرین خانم مطبوع الدوله، خرج آمده رکاب چهل تومان/ خدیجه خانم ملقبه به اخترالزمان، خرج آمده خراسان نود تومان/ خانزاده خانم، خرج آمده یزد، چهل تومان/ فاطمه سلطان خانم طهرانی، خرج آمده ملایر، دویست تومان/ آقا شاهزاده، خرج آمده رکاب دویست و چهل تومان.

جواری: نصیب ملک خانم، خرج آمده رکاب یکصد و بیست تومان/ غنچه خانم، خرج آمده خراسان، شصت و دو تومان/ سکینه خانم، خرج آمده رکاب چهل تومان.

حقوقشان به ترتیب سابق باقی است و نظر به این که معاش آنها منحصر به همین جزئی حقوق است و در این چند سال هم پرداخت حقوق دیوانی متضمن بعضی اشکالات شده لهذا از وزارت مالیه تقاضا کرده‌اند که از این تاریخ به بعد، حقوقشان به طور شهریه پرداخته شود. وزارت مالیه هم این مراتب را به آن مقام منبع عرض و پیشنهاد می‌کنند تا هر طور اجازه و تصویب فرمایند از آن قرار به موقع اجرا گذارد.

محل مهر و امضاء: حسن مستوفی الممالک

سند شماره ۷

به مقام منبع وزارت مالیه

عرضه می‌داریم: از بابت حقوق این کمیته‌ها مکرر عرایض خودمان را ارائه داده‌ایم مخصوصاً به توسط سرکار غنچه‌خانم هنوز جوابی مرحمت نفرمودید. نمی‌دانیم سرکار غنچه‌خانم عرایض ما را خدمت جناب عالی عرض نکرده‌اند یا این که حضرت عالی مرحمتی درباره این بیچارگان فرموده‌اید. از آنجایی که در هر زمان رعایت حال فرموده‌اید، امیدواریم که ان‌شاءالله بی‌التفاتی ننموده از کثرت مشغله بوده باز هم عرضه می‌داریم که ان‌شاءالله بذل مرحمت فرموده این جزیی حقوق ناقابل را در حق این کمیته‌ها برقرار فرموده بلکه با این پریشانی و گرفتاریها اقلأً به یک لقمه نان خالی راه‌بردار باشیم که اسباب دعاگویی کمیته‌ها باشد.

امر امر مبارک است

سند شماره ۸

اسامی عارضین

قمر خانم صبیبة جناب مفتاح‌الملک، نصیب ملک خانم، کوب خانم، نوش‌آفرین (نوش‌آفرین)، خانم، حاجی خانم
ذیل گزارش: در باب اینها چه اقدامی شده است اطلاع بدهید.
آرشیو کل ملاحظه فرمایند ۱۲ حوت

به نصیب ملک خانم جواب نوشته شده: حقوق سرکار و نوش‌آفرین خانم مطبوع‌الدوله به هیئت وزرای عظام پیشنهاد شده که به طور شهریه بپردازند. در باب سایر خانمها معلوم دارید حقوقشان چه مبلغ و به خرج کجا منظور است تا به هیئت وزرای عظام پیشنهاد شود. ۱۸ حوت

سند شماره ۹

ورود به کابینه وزارت مالیه

به تاریخ ۲۵ میزان ۱۳۳۲

مقام منبع حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اشرف آقای محترم السلطنه^(۱) وزیر مالیه دامت شوکته این کمیته‌گان، بعد از متفرق شدن از حرم‌خانه مرحوم ناصرالدین شاه طاب(ثراه) دارای حقوقی بودیم که در دوره قبل تماماً دریافت و معیشت خود را می‌گذراندیم:

اسم نوش‌آفرین خانم ملقب به حاجیه مطبوع‌الدوله حقوق دو بیست تومان

اسم نصیب ملک خانم حقوق کلیه یکصد و بیست تومان

و خاطر مبارک در این موقع به مضمون این شعر جلب می‌نماییم:

حال من کان غنیا وافتقر

گفت پیغمبر که رحم آرید بر

امروز که دچار عسرت و پریشانی گردیده‌ایم از این وجود مقدس که مظهر لطف حق هستید استدعا می‌نماییم مساعدتی در شهریه عنوان حقوق این فدویان فرموده بلکه به مرحمت آن مرکز ترحم، تا اندازه‌ای در امر گذران کمیته‌گان گشایشی حاصل شده و چهار روزه بقیه زندگانی را دچار فلاکت و احتیاج نباشیم.

بسر و مند باد آن همایون درخت

که در سایه آن توان برد رخ

محل مهر: مطبوع الدوله محل مهر: نصیب ملک

ذیل نامه: با رجوع به سابقه جواب نوشته شد به هیئت وزرای عظام پیشنهاد شده باید منتظر تصمیم هیئت دولت باشند.

۱ - میرزا حسن خان محتشم السلطنه پسر میرزا محمدخان ملقب به رئیس که سالها در مناصب وزارت و سفارت و وکالت بود و در پایان عمر سالها رئیس مجلس شورای ملی بود.

سند شماره ۱۰

هو

به تاریخ ۲۱ شوال ۱۳۳۲ یادداشتی که حسب الامر مقرر شد ورود به کابینه وزارت مالیه بتاريخ ۲۱ سنبله ۱۳۳۲

مقام منبع محترم وزارت کل اداره مالیه دام اقباله العالی

عرض می شود چون از زمان تصویب مجلس مقدس تاکنون که حقوقات تصویب شد. تمام عیالهای شاه شهید، باقی کلفتها، حقوقاتشان (حقوقشان) ماهانه شد مگر ما چند خانم و چند نفر کلفت، لهذا استدعا از حضور مبارک وزارت کل داریم که ما چند نفر هم حقوقمان ماهانه شود که برای مخارج یومیه معطل نماییم و همیشه اوقات دعاگو به دولت و ریاست محترم بوده باشیم و اسامی ما چند نفر از این قرار است:

بالا خانم بزرگ ملقب به مراحم السلطنه دویست و چهل تومان جزو خراسان چهل تومان
سکینه سلطان خانم ملقب به حاجی وقارالدوله به خرج رکاب چهل تومان
حاجی زهرا خانم عیال شاه شهید، اصفهان چهل و یک تومان، خراسان دویست و هشتاد تومان
نوشافرین (نوش آفرین) خانم ملقب به حاجی مطبوع الدوله به خرج رکاب دویست تومان
نصیب ملک خانم کلفت شاه شهید رکاب صد و هشت تومان
خدیجه خانم کلفت شاه شهید به خرج خراسان هفتاد و دو تومان
سکینه خانم کلفت شاه شهید به خرج رکاب چهل تومان
خدیجه خانم ملقب به اختر زمان به خرج خراسان پنجاه و پنج تومان
خانزاده خانم به خرج یزد چهل تومان
فاطمه سلطان خانم طهرانی گیلان دویست تومان
آغا شاهزاده طهران رکاب دویست و چهل تومان
حسب الامر عمید حضور داده به عرض حضور مبارک برسد ۲۱ سنبله
به هیئت وزرای عظام پیشنهاد شده ۲۲ سنبله

سند شماره ۱۱

به شرف عرض عالی می رساند چنانچه مراجعه به دوسیه های وزارتخانه بشود ملاحظه خواهد شد جهت وصول مختصر شهریه کرارا در مقام مصادعت و مزاحمت خاطر آقایان وزرای وقت برآمده و هر یک با کمال ملاطفت و عده مساعدت داده اند متاسفانه از هیچ یک نتیجه کاملی گرفته نشده و چند برج است حقوق این بیچارگان نرسیده است. اینک به واسطه شدت احتیاج و مشکلاتی خاطر محترم حضرت اشرف را

مستحضر و متوجه به طرف چندین نفر بیچاره پریشان روزگار می‌نماید که از حضور مبارک استدعای عاجزانه دارند، مقرر فرمایند شهریه چند برج پس افتاده این بی‌کسان را برسانند که در این موقع از توجه مراحم عالی آسایش حاصل نموده و دعاگوی وجود مبارک بوده باشند. ایام عزت و شوکت پاینده و برقرار باد.

غنچه خانم، تحفه گل خانم، ذوالفقار خان، مصطفی خان، گلستان خانم

پشت صفحه: حقوق این اشخاص در سیچقان نیل در صورت کلیه شهریه‌بگیران از تصویب هیئت وزرای عظام گذشته است. دوسیه علی حده ندارند.

سند شماره ۱۲

وزارت مالیه

نوع مسوده مکتوب تاریخ ارسال ۱ عقرب

نمره عمومی ۲۳۶۰۲

کارتن ۲ دوسیه ۳۷

تاریخ مسوده: چهارده ذی‌الحجه ۳۱ میزان توشقان نیل ۱۳۳۳

مسئولو خزانه‌دار کل

در جواب مورخه نمره درباب شهریه معوقه ذوالفقار خان و مصطفی خان و غنچه خانم و تحفه گل خانم و گلستان خانم از قرار مذکور چند برج است شهریه ذوالفقار خان و مصطفی خان و غنچه خانم و تحفه گل خانم و گلستان خانم که از شهریه‌های تصویبی سنه ماضیه سیچقان نیل است نظر به رعایت خاطر آنها لازم است قدغن نمایند شهریه معوقه ایشان را بپردازند و در آتیه هم مرتباً بپردازند که آسایش خارشان از این جهت فراهم گردد.

محل مهر میرزا حسن خان محتشم السلطنه

سند شماره ۱۳

هو

به مقام منبع وزارت جلیله مالیه

عرض این بیچارگان پاشکسته آن است که امروزه بیست سال است که از شهادت شاه شهید می‌گذرد و در این مدت ماهی ده تومان در حق ما دو نفر مقرر بوده تا زمان افتتاح مجلس و تصویب نمایندگان ملت و هیئت دولت که مقرر شد حقوق ما را ماه به ماه بپردازند. اینک هشت ماه از سال گذشته فقط سه ماه به ماها حقوق داده‌اند در صورتی که خدا شاهد است و همه کس می‌دانند که دیگر برای ما هیچ باقی نمانده نه فروختنی نه گروگذار دنی و امروزه از ما هیچ کار بر نمی‌آید. پیر و شکسته و غلیل شده‌ایم. کسی هم نیست به کار ما توجه کند. محض رضای خدا استدعا آن که مقرر فرمائید حقوق پنج ماه پس افتاده ما بیچارگان را بدهند و بعد از این به همان ترتیب ماه به ماه برسانند که خدا و خلق را خوش آید، زیاده جسارت است.

امان گل عجب ناز

از کابینه به خزانه داری توصیه شود که زودتر شهریه این دو نفر جواری شاه شهید را بپردازند. ۱۷ ذی الحجه ۳۳
۸ حوت نمرة ۲۴۰۲۸

در جزو صورت شهریه بگیریانی که در سیچقان نیل از تصویب هیئت محترم وزرای عظام گذشته است مبلغ دو بیست و چهل تومان سالیانه به اسم اشخاص مفصله منظور است. امن گل خانم صبیة حبیب الله خان ۱۲۰ تومان، عجب ناز خانم صبیة نظر علی خان

سند شماره ۱۴

[کارتن] ۲-۳۷

عریضه

مقام منبع حضرت مستطاب اشرف آقای حاجی یمین الملک^(۱) وزیر مالیه دامت شوکته
کمینه گان اهل حرمخانه شاه شهید و دو نفر صغیر خانمی، خانم

در این موقع که دچار منتهی عسرت و سختی گردیده ایم، آن وجود محترم مبارک را یگانه پناه و ملجا خود قرار داده و در عین بیچارگی
استدعا داریم مقرر فرمایند شهریه دو برج دلو و حوت کمینه گان را که خیلی جزئی است حواله فرمایند. خدا می داند غیر از این مختصر شهریه
به هیچ وجه وسیله ای برای معاش و گذران در نظر نداریم در صورتی که اغلب از اشخاص شهریه بگیر تمام گرفته اند. چه علت دارد که به ما
بیچاره ها مرحمت نمی شود؟

مهر غنچه : [سجع مهر] : هست غنچه حقیر شاه رضا



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

گلستان خانم	۵ تومان
تحفه گل خانم	۱۰ تومان
ذوالفقار	۲۵ تومان
مصطفی	۲۵ قران
غنچه خانم	۱۵ تومان

در حاشیه سمت راست : وظایف شماره ۲۴ ۳۹۰ حمل، دایره وظایف

در حاشیه سمت چپ پایین : اداره کل محاسبات و [۹] ۲۳ حمل

محاسبات کل، شماره ۹۴۶، ۲۳ حمل لوی نیل، چون دستورالعملی مرحمت نشده عجلتاً ضبط است ۲۴ حمل

۱ - حاجی میرزا علی خان تفرشی از خاندان حسابی ملقب به یمین الملک از مستوفیان دولت است که با مستشاران بلژیکی هم در سمت ترجمی همکاری کرد و در سال ۱۳۳۴ در کابینه فرمان فرما
عبدالمحسین میرزا وزیر مالیه (داری) شد.

سند شماره ۱۵

ولایت طهران

تعرفه ارباب حقوق
اطلاعات اولیه

زهرآ بیگم	اسم صاحب حقوق و اگر ورثه باشد، اسامی ورثه
۳۵	سن
مرحوم میرزا رحیم نسخ‌نویس	اسم پدر
انیس الدوله	اسم طایفه یا خانواده
عمامه شهرستانک	اهل کجا
طهران امام‌زاده یحیی کوجه ابوالقاسم مزارعی	محل اقامت
خانه حاج شکرالله خان میرپنج	

کلیه حقوق نقدی و جنسی به هر صیغه

و به خرج هر کجا منظور باشد.

جزو مبلغ و تعداد حقوق با تشخیص محل

میزان کل حقوق

به صیغه مقرری خرج رکاب ۱۲ تومان

مطابق تصدیق مستوفی که ضبط است ۱۲ تومان

تحقیقات متممه

جواب

جواب

جواب موروثی است

جواب تقریباً پانزده سال است

جواب به موجب دستخط ولیعهدی مظفرالدین [شاه] که فعلاً پیش من است

جواب

محل مهر صاحب حقوق [مهر] زهرآ

سوال: شغل و حرفه شما چیست؟

در کدام اداره مستخدم هستید؟

حقوق شما شخصی است یا موروثی؟

از چه تاریخ این حقوق در حق شما برقرار است؟

به موجب فرمان است یا دستخط یا حکم؟

سالی چه قدر مالیات به دیوان می‌پردازید؟

سند شماره ۱۶

ولایت طهران

تعرفه ارباب حقوق

اسم صاحب حقوق و اگر ورثه باشد اسامی ذکور و اناث، اسم و لقب: مرحوم آقاسید صدرالدین

اسامی ورثه: آغابگم، زهرابگم، صغری بیگم

سن: ۳۰، ۴۰، ۵۰

اسم پدر: مرحوم آقاسید صدرالدین

اسم طایفه یا خانواده: آقاسید علی خوشنویس

اهل کجا: طهران

محل اقامت، شهر، کوجه یا دینه: طهران، بازارچه نو، نزدیک پا، خیابان چراغ‌برق، کوجه ناظم‌الاطباء، چهارراه حسن‌آباد کوجه حاج حسن

خیاط

کلیه حقوق نقدی و جنسی به هر صیغه و به خرج هر کجا منظور باشد:

جزو مبلغ و مقدار حقوق با تشخیص محل: به صیغه مستمری و انعام استمراری خرج رکاب ۵۷ تومان: مستمری صغری ۳۹ تومان، انعام

استمراری در حق صغری بیگم ۱۸ تومان

میزان کل حقوق: مطابق تصدیق مستوفی که ضبط است ۵۷ تومان

تحقیقات متممه

سوال ۱ شغل و حرفه شما چیست؟ جواب

سوال ۲ در کدام اداره مستخدم هستید؟ جواب

سوال ۳ حقوق شما شخصی است یا موروثی؟ جواب موروثی است

سوال ۴ از چه تاریخ این حقوق در حق شما برقرار است؟

جواب از سنه ۱۳۱۴ تخاقوی ثیل مستمری و از سنه ۱۳۱۴ تخاقوی ثیل

سوال ۵ به موجب فرمان است یا دستخط یا حکم جواب به موجب فرمان

سوال ۶ سالی چه قدر مالیات به دیوان می پردازید جواب

محل مهر صاحب حقوق مهر سه خواهر: آقای بیگم زهرا بیگم صغری بیگم

سند شماره ۱۷

اخطار قانونی

- ۱- بر هر یک از صاحبان حقوق در دارالخلافه و ولایات واجب و مغتنم است که تعرفه کلیه حقوق خود را به هر صیغه و به خرج هر کجا منظور باشد، به نحوی که در این ورقه توضیح شده است نوشته امضاء نمایند.
- ۲- هر صاحب حقوقی که میزان کل حقوق خود را به هر ملاحظه که باشد کمتر قلمداد کند، همان قلمدادی او برای آتیه سند دیوان خواهد شد.
- ۳- هر صاحب حقوقی که در نوشتن تعرفه به هر عذری که باشد کوتاهی و تسامح نماید و به تکالیفی که در ماده ۶ معین شده عمل نکند، در آینده خود را از حقوقی که داشته است محروم خواهد ساخت.
- ۴- هر صاحب حقوقی که میزان حقوق خود را بیش از آنچه دارد قلمداد کند، به اندازه همان قلمدادی اضافه از حقوق اصل او کسر خواهد شد.
- ۵- هر صاحب حقوقی که در تعیین محل و اسم و سایر توضیحاتی که در این ورقه مسطور است اشتباه کاری نماید، از حقوق یک ساله خود بی بهره خواهد ماند.
- ۶- از روز انتشار اعلان راجع به تعرفه‌ها در هر ولایتی، مدت دو ماه، به صاحبان حقوق مهلت داد خواهد شد که آمده تعرفه‌های خود را بنویسند. اگر کسی در ظرف این مدت به تکلیف خود عمل نکرد، اظهارات او پس از آن پذیرفته نخواهد شد.
- ۷- هر صاحب حقوقی در موقع نوشتن تعرفه باید فرمان یا دستخط یا مستند دیگر که در دست دادر آرایه دهد.
- ۸- صاحبان حقوق باید تصدیق مستوفی محل یا برات‌نویس رکاب را مبنی بر صحت و برقرار بودن حقوق خود در حین امضای تعرفه آرایه بدهند و اگر حقوق به خرج چند محل منظور است از مستوفی هر محل باید تصدیق داشته باشند.
- ۹- مستخدمین ادارات باید در موقع امضای این تعرفه از وزیر یا رئیس خودشان تصدیق نامه در دست داشته باشند.
- ۱۰- صاحبان حقوق باید هويت خود را در موقع امضای تعرفه اثبات نمایند (این اثبات در صورت لزوم به تصدیق معاریف محل خواهد بود).

۱۱- هر کس به واسطه عذر مشروعی شخصاً از حاضر شدن برای امضاء تعرفه ممنوع باشد می تواند به دیگری وکالت بدهد. در این صورت وکیل مزبور باید دارای اسناد لازمه به مهر صاحب حقوق بوده صلاحیت دادن توضیحات لازمه را داشته باشد.

ملاحظات

به موجب فرمان مظفرالدین شاه مرحوم، مستمری مرحوم آقاسید صدرالدین را در حق ورثه او برقرار شده است:

مستمری آقاسید صدرالدین ۱۰۰ تومان : دروازه‌ها ۵۰ تومان، از بابت طهران ۵۰ تومان [جمعاً] ۱۰۰ تومان
مقدار برقراری و حق ورثه آن مرحوم : آقاسید رضا پسر مرحوم مزبور ۵۰ تومان ، ضیاء ایضاً ۵۰ تومان
بیگم عیال میرزایین العابدین ۲۰ تومان زهرا بیگم عیال علی خان ۲۰ تومن ، صغری بیگم ۱۰ تومان

سند شماره ۱۸

اعلان از طرف وزارت مالیه

اولاً وراثت متوفیات باید در موقعی که از آنها سئوالات فوق می‌شود جواب آنها را از روی نهایت صحت اظهار کرده و اسامی کلیه ورثه قانونی مستوفی را قلمداد و خودشان را مسئول توضیحاتی که در فوق می‌دهند و ورقه را امضا می‌کنند باید بدانند در صورتی که اختلافی بعدها ظاهر شود مسئول دولت و از حقوق دیوانی خود محروم خواهند بود. ثانیاً انجمنهای ولایتی که در ولایات یا کمیسرهای محل در مرکز یا اشخاص دیگر که این ورقه را امضا و ورثه را معرفی می‌کنند باید متهمی درجه دقت را معلوم بدانند که کسی خود را به اشتباه کاری ورثه قانونی قلمداد نکند. همچنین در تاریخ فوت متوفی که ورثه معین می‌نماید باید رسیدگی کامل کنید که اگر برخلاف واقع معین شده باشد تصحیح شود. ثالثاً اداره مالیه ولایات نیز باید نسبت به حقوق متوفیات و صحت ورثه دقت نموده و ورقه تعرفه را امضا کنید توضیح آن که در هر محلی که انجمن ولایتی یا اداره مالیه نباشد و تصدیق صحت ورقه به عهده حاکم محل و در فقدان آن به عهده سه نفر از معاریف خواهد بود.

محل معرفی ورثه : این جانب نصره السلطنه از روی تحقیقات لازمه معرفی و تصدیق می‌نماید که ورثه مذکوره در فوق مرحوم عزیز السلطنه متوفی است و ورثه قانونی غیر از سرکار علیه عالیّه خانم محبوب السلطنه ندارد و آنچه در این ورقه توضیح داده شده از روی صحت است. محل امضای معرف و مهر (نصره السلطنه) صحیح است.

ایضاً : این جانب یمین الدوله از روی تحقیقات صحیحّه لازمه معرفی و تصدیق می‌نماید که ورثه مذکوره در فوق مرحومه عزیز السلطنه متوفی است و ورثه قانونی غیر از سرکار علیّه عالیّه محبوب السلطنه ندارد و توضیحات ورقه از روی صحت است. محل امضای معرف و مهر : یمین الدوله (امضاومهر)

محل تصدیق حقوق متوفیات در ادارات مرکزی وزارت مالیه

مبلغ یک هزار و دوست تومان حقوق نواب علیّه عزیز السلطنه صبیّه مرحوم ناصرالدین شاه تا سنه ماضیه ایت‌نیل ۱۳۲۸ به خرج دستورالعمل گیلان منظور شده و قبض سند مزبوره هم از اداره دارالخلافه صادر و چون متوفیه شد در جزو بودجه تنگوزنیل منظور شده است و حقوق مزبور ضبط گردیده. اول ثور او دئیل ۱۳۳۱ [ه. ق]

ورود به کابینه وزارت مالیه

بتاریخ ۵ / سرطان / ۱۳۳۱

نمره ۳۸۳۲

سند شماره ۱۹

نمره ۱۳۴

جمادی الاولی ۱۳۲۹

وزارت مالیه

حضرت علیّه محبوب السلطنه شرحی به این جانب نوشته که حقیقتاً اسباب تأثر است. سواد آن را لفاً ملاحظه می‌فرمایند و البته به تکلیف قانونی خودتان عمل خواهید کرد.

به عرض حضور آقای معاون رساننده تکلیف جواب را معین خواهند کرد ۴ جوزا

اداره خط مرکز

ورود به دفتر وزارت مالیه

به تاریخ ۴ شهر جوزا ۱۳۲۹

نمره ۶۱۶۵/۵۹۷

سند شماره ۲۰

شیر و خورشید
کابینه نیابت سلطنت عظمی
سواد عربضه محبوب السلطنه
مورخه ۲ ج ۱/ ۱۳۲۹ [ه. ق]

به ساحت مقدس نیابت سلطنت عظمی ادام الله ظلہ العالی

پس از ارتحال شاهنشاه شهید سعید ناصرالدین شاه طاب ثراه دو نفر صبیبه برای کمینه ماند که بواسطه صغارت هیچیک اندوخته و انتفاعی از پدر خود نداشتند و از طرف دولت برای معاش آنها مواجبی معین گردیده بود که با آن حقوق گذران می نمودند تا یکی از آن صبا یا به حد بلوغ رسیده و تزویج شد. دیگری به واسطه صغر سن در خانه نزد کمینه بود. پس از افتتاح مجلس مقدس پارلمان شیدالله ارکانه آن حقوق دیوانی را کسر و مبلغ یک هزار و دویست تومان برای صبیبه ابقا داشتند. چون این جزیی حقوق کفایت معاش نمی نمود چاره جز فروختن مخلفه و قرض نبود و با کمال عسرت و سختی روزگار می گذشت. این روزها به واسطه تقدیرات الهی بلای ناگهانی نازل و آن صبیبه نارس را که عزیز السلطنه لقب داشت ناکام ره سیر آخرت نمود. چیزی که برای این کمینه باقی مانده داغ نوجوانی و قریب پنج هزار تومان قرض بلا محل است. کمینه [نه اندوخته دارم و نه حقوق مکفی که بتوانم ادای قروض مردم را نمایم. چون رعایت و نگاهداری خانواده سلطنت فرض ذمت مقام مقدس نیابت سلطنت است، ناچار مختصر شرح حال را به مقام مقدس برساند. همه ملاحظه این که در این وقت دست‌تنگی دولت استدعای ادای قروض از خزانه دولتی تمنای بی‌موقع و غیر مفید است، مستدعی است امر و مقرر شود حقوق دیوانی آن مرحومه در حق این کمینه که مادر و ورثه قانونی هستم مرحمت و برقرار شود تا بتواند متدرجاً قروض طلب کار را پرداخته خود هم گذرانی نماید که ارباب طلب همه روزه عارض و متظلم نشده اسباب دردسر و مزاحمت اولیای دولت ابر مدت نشوند. یقین است از بذل این توجه و مرحمت مضایقه نخواهد شد.

محبوب السلطنه

سواد مطابق اصل است

سند شماره ۲۱

شیر و خورشید

به تاریخ ۵ ثور ۱۳۳۰

وزارت مالیه

اداره کابینه

نمره ۱۸۶۴

مقام محترم هیئت وزراء عظام دامت شوکته

عزیز السلطنه صبیبه مرحوم مغفور شاه شهید ناصرالدین شاه چندی است مرحومه شده و مبلغ یک هزار و دویست تومان حقوق دیوانی داشته و ورثه قانونی او منحصر به نواب علیه محبوب السلطنه مادر آن مرحومه است. مشارالیه سابقاً شرح پریشانی خود و قروض زیادی که از مرحومه عزیز السلطنه برای او باقی مانده تقاضای برقراری حقوق او را در حق خود به وزارت مالیه اظهار و بعد از تحقیق معلوم شد که مشارالیه دویست تومان شخصاً حقوق دیوانی دارد و قانوناً از حقوق مرحومه عزیز السلطنه بیشتر از یکصد و بیست تومان به ایشان داده نمی‌شود. نظر به پریشانی محبوب السلطنه، وزارت مالیه تصویب نمود که یک صد و بیست تومان موافق قانون وظایف و دویست و هشتاد تومان هم از اصل عایدات دولتی درباره مشارالیه تا مدت پانزده سال برقرار و موافق ترتیبات مقرر لایحه به مجلس پیشنهاد شده بود. چون مجلس منفصل و جواب پیشنهاد مزبور نرسیده این امر به آن هیئت محترم پیشنهاد می‌شود که تصویب وزارت مالیه در موضوع حقوق همین است که عرض شد. حالا هر طور مقرر و تصویب می‌فرمایند به موقع اجرا گذارده شود. وزارت مالیه ۱۳۲۸

سند شماره ۲۲

شیر و خورشید
کابینه نیابت سلطنت عظمی

کابینه محترمه وزارت جلیله مالیه

پیشنهادی که درخصوص مرحومه عزیزالسلطنه درباره محبوب السلطنه به مجلس شورای ملی سابقاً مرقوم و حالیه هم همان پیشنهاد را به هیئت وزرای عظام تجدید فرموده‌اید، سواد آن را برای کابینه نیابت سلطنت عظمی دامت عظمته مرقوم و ارسال دارید که مطابق آن از طریق قرین الشرف هم تأکید و تأیید شود. اسمعیل
آرشیو - سواد بدهند.

سند شماره ۲۳

خروج ۵ سرطان ۱۳۳۱	نقش شیر و خورشید
نمره خصوصی ۲۹۶	وزارت مالیه
کارتون $\frac{۱}{۴۵}$ دوسیه	اداره صدور فرامین

۱۲۹۱
به تاریخ پنجم سرطان ۱۴۱۳۳۱

چون عزیزالسلطنه این اوقات وفات یافته رعایت و آسایش بازماندگان آن مرحوم منظور نظر آفتاب اثر اقدس همایون سرکار است. لهدا به موجب این فرمان قضا جریان مبارک از کلیه حقوق دیوانی آن مرحومه مبلغ یکصد و بیست تومان به تفصیل پس از هذه السنه تنگوزئیل ۱۳۲۹ الی پانزده سال دیگر که سال آخر آن اودئیل ۱۳۴۳ می‌باشد برطبق قانون وظایف در حق سرکار محبوب السلطنه والده آن مرحومه مرحمت و برقرار فرمودیم مقرر آن که بعد از انقضای مدت معین حقوق مزبور ضبط دیوان اعلی خواهد بود. المقرر جنابان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان مبارک راثبت و ضبط نموده در عهده شناسند.

حقوق دیوانی مرحومه عزیزالسلطنه در محل گیلان	۱۲۰۰ تومان
ضبط دولت شود	۱۰۸۰ تومان
برقراری در حق سرکار محبوب السلطنه والده آن مرحومه	۱۲۰ تومان

شرح حاشیه اداره وظایف ۷۸
مبلغ یک هزار و دو بیست تومان حقوق مرحومه عزیزالسلطنه مطابق خرج آمده. ایت ثیل سال ۱۳۲۸ صحیح است.

سند شماره ۲۴

۱۸ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۱

مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته
درخصوص حقوق مرحومه عزیزالسلطنه که می‌بایستی در حق این کمینه برقرار شود، سابقاً پیشنهادی از آن وزارت جلیله به هیئت وزرا شده قریب یک سال است که تکلیفی معین نشده مستدعی است چنانچه موافق پیشنهاد سابق هیئت وزرا تکلیف معین نمی‌فرمایند حقوق قانونی که در حق این کمینه باید فرمان صادر شود مقرر فرمایند فرمائش شرف صدور یابد که بیشتر از این اسباب تعویق و تصدیع مقام منبع نشود.

امر امر مبارک است محبوب السلطنه

ذیل نامه: ورود به کابینه وزارت مالیه به تاریخ ۹ حمل ۱۳۳۱ نمره ۲۲ پ ۲۲

صدور فرامین راپورت بدهد که به عرض برسد. برای تصویب فرمودند ثانیاً پیشنهاد شود. ۹ حمل مرحومه عزیز السلطنه در سنه ماضیه تنگوزئیل مرحومه شد. مبلغ یک هزار و دو بیست تومان حقوق دیوانی داشت و ورثه آن مرحومه منحصر به حضرت علیه محبوب السلطنه مادر مشارالیه بود. همان اوقات برای رعایت حال معزی الیها از طرف وزارت جلیله مالیه به مجلس مقدس پیشنهاد گردید که علاوه بر یکصد و بیست تومانی که قانوناً به حضرت علیه محبوب السلطنه می رسد دو بیست و هشتاد تومان دیگر هم از اصل مالیات در حق معزی الیها برقرار شود. چون مجلس منفصل شد، برطبق همان پیشنهاد ثانیاً شرحی به هیئت وزرای عظام پیشنهاد گردید ولیکن تاکنون جواب رد و قبول این مسئله به وزارت جلیله مالیه نرسیده و حالا سرکار علیه محبوب السلطنه راضی شده اند که همان یکصد و بیست تومان حقوق قانونی در حق ایشان برقرار شود. اگرچه این تقاضای اخیر ایشان با پیشنهادی که سابقاً به هیئت وزرای عظام شده متضمن صرفه کلی برای دولت علیه است لیکن چیزی که محل تأمل است این است که حقوق متوفی وقتی برطبق مواد قانون در حق مادر برقرار می شود که در کفالت متوفی باشد و به طور تحقیق معلوم نیست که حضرت علیه محبوب السلطنه در کفالت مرحومه عزیز السلطنه بوده اند یا خیر. اگرچه نظر به این که چون خود سرکار محبوب السلطنه بیش از دو بیست تومان حقوق دیوانی نداشته اند ناچار امر معاش ایشان از محل حقوق صبیبه خودشان می گذشته ولیکن چون در قانون فقط قید کفالت شده و تعیین این مسئله هم که آیا معزی الیها حقیقتاً در کفالت آن مرحومه بوده اند یا خیر، به واسطه بعضی ملاحظات خالی از اشکال نیست، بنابراین لازم است مراتب به ضمیمه سابقه به عرض حضور بندگان حضرت اشرف وزارت پناهی روحی فداه برسد که اگر ممکن است معزی الیها را در کفالت صبیبه خودشان محسوب داشته. امر و مقرر فرماید فرمان یکصد و بیست [تومان] حقوق قانونی ایشان صادر و پیشنهادهای را هم که سابقاً به هیئت وزرای عظام شده چون به موقع تصویب نرسیده استرداد شود و اگر باید جواب همان پیشنهاد را مطالبه نمود. اجازه فرماید اطاعت شود.

در صورتی که شرایط قانونی موجود باشد فرمان صادر شود. مطابق قانون وظایف امضاء

سند شماره ۲۵

مرکز تحقیقات شیر و خورشید
وزارت مالیه

نمره عمومی ۲۳۶۶

دوسیه ۲۲

کارتون ۱

به تاریخ ۱۷ برج جدی ۱۳۳۱

مقام محترم ریاست وزرای عظام دامت شوکتهم

در تاریخ ۴ نور ۱۳۳۰ پیشنهادی از وزارت مالیه ۱۸۶۴ درخصوص برقراری مبلغی از حقوق دیوانی مرحومه عزیز السلطنه در حق سرکار علیه عالییه محبوب السلطنه والده آن مرحومه به آن هیئت محترم شده است که سواد آن لفاً تقدیم می شود. چون تاکنون جواب آن نرسیده و همه روزه از وزارت مالیه در این خصوص مطالبه جواب می شود، مستدعی است رد و قبول آن را زودتر به وزارت مالیه اخطار فرماید تا تکلیف معلوم شود.

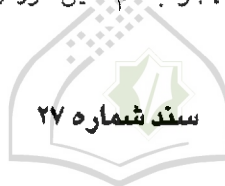
دو مهر [ناگرفته]

هو

عرض می‌شود در سنه ماضیه که عزیزالسلطنه صبیة خلد آشیان ناصرالدین شاه طاب‌ثراها وفات نمود. دو هزار و چهار صد تومان مواجب دوسالۀ او در نزد دیوان باقی بود. پنج هزار تومان هم قرض داشت که ارباب طلب همه روزه مزاحم بودند. از اولیای دولت استدعا شد که یا وجهی به قرض دارها مرحمت شود یا این که حقوق دیوانی آن مرحومه در حق این جنبه برقرار شود تا متدرجاً به ارباب طلب بدهد. مراتب خدمت نیابت سلطنت عظمی عرضه شد و به مجلس شورای ملی اظهار گردید. اول از طرف نیابت سلطنت و وزارت جلیله مالیه رای داده شد که ششصد تومان از حقوق آن مرحومه در حق این جنبه که والدۀ آن مرحومه هستم فرمان صادر شود و این رای به مجلس فرستاده شد. طولی نکشید که مجلس تعطیل گردید. بعد که مطالبه فرمان شد چنین مذاکره گردید که موافق قانون اساسی باید یکصد و بیست تومان فرمان صادر گردد. از آن زمان تا حال این عمل در بوطه (بوتۀ) اجمال مانده و تکلیف معلوم نیست. طلبکارهای آن مرحومه هم همه روزه مزاحم و مطالبه دارند. لهذا خدمت جناب عالی زحمت افزا می‌شود به هر طوری مقرر شده است بفرمایید نصف حقوق یا معادل یکصد و بیست تومان یا بیشتر یا کمتر فرمان او را صادر و لطف فرمایید که تکلیف معلوم و بیشتر از این معوق نماند. زیاده تصدیع ندارد. محبوب السلطنه

با سابقه به عرض حضور مبارک برسد.

مجدداً به هیئت وزرا عرض شده سواد پیشنهاد سابق [] جواب هم همین طور نوشته شود.



سند شماره ۲۷

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

شیر و خورشید

وزارت مالیه

نمره دفتر ثبت ۳۴۸۴

کارتن ۱/۲ دوسیه ۲۲

مورخه ۲۲ شهر رجب ۱۸ سرطان ۱۳۳۰

مکتوب

سرکار عالیۀ محبوب السلطنه

در خصوص حقوق مرحومه عزیزالسلطنه از شرحی که اشعار فرموده‌اید اطلاع حاصل نمود. وزارت جلیله مالیه به تاریخ ۴ ثور به نمره ۱۸۶۴ شرحی در این فقره مخصوصاً به هیئت وزرای عظام عرض و پیشنهاد کرده [ولی] هنوز جواب نرسیده. هر زمان جواب رسید به هر طور مقرر فرموده باشند به موقع اجرا خواهد رسید.

سند شماره ۲۸

ورود کابینه وزارت مالیه

به تاریخ ۱۷ سرطان ۱۳۳۰

نمره ۳۴۸۴

۲۲ - ۱

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

در خصوص حقوق مرحومه عزیزالسلطنه که سابقاً وزارت جلیله مالیه مبلغی از حقوق آن مرحومه را تصویب نموده بودند در حق این جانب برقرار شود. در این خصوص چون مدتی طول کشید دوسیه مفصلی در کابینه هیئت وزرا و نیابت سلطنت عظمی و در وزارت جلیله مالیه موجود و مضبوط است مستدعی است چنانچه رجوع فرموده موافق تصویب سابق که وزرای مالیه در این خصوص نموده‌اند مقرر دارید فرمان صادر گردد. [امضا ناخوانا]

رجوع به سابقه فرمایند ۱۷ سرطان

سند شماره ۲۹

مقام منبع محترم هیئت وزرای عظام دامت شوکتهم

بنده زاده عزیزالسلطنه صبیله شاه شهید نورالله مضجعه در هشت ماه قبل وفات نمود. چون ممر معاش و گذران آن مرحومه منحصر بوده به یک هزار و دویست تومان حقوق دیوانی که آن هم چند سال لاوصول ماند. قریب پنج هزار تومان مقروضه شده بود. شرح حال او را به مقام مقدس والاحضرت اقدس نایب السلطنه مدظله معروض داشته به وزارت جلیله مالیه مقرر فرمودند که از بابت حقوق دیوانی آن مرحومه ترتیبی بدهند که قروض او ادا شود. وزارت جلیله مالیه هم رای دادند که چهار صد تومان از حقوق آن مرحومه در حق این بنده برقرار شود که به مرور ماخوذ داشته به طلبکارها بدهد. این رای را به مجلس شورای ملی پیشنهاد کردند جواب این پیشنهاد نرسیده مجلس منفصل گشت. چون طلبکارهای آن مرحومه ساعتی بنده را آسوده نمی‌گذارند از حضور محترم هیئت وزرای عظام استدعا می‌نمایم تا مقرر فرمایند همان رای که وزارت جلیله مالیه داده‌اند مجری شده فرمان برقراری چهار صد تومان صادر گردد یا این که محلی و حواله‌ای به طلبکارها داده شود که این بنده مستخلص گردد. امر کم مطاع

آنچه به مجلس پیشنهاد شده بود به هیئت وزرا نوشته شود.

ورود به کابینه وزارت مالیه

بتاریخ اول ثور ۱۳۳۰

نمره ۱۸۶۴

۲۲ - ۱

دفتر وزارت مالیه (مهر)

نمره ۷

سند شماره ۳۰

شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره کابینه

به تاریخ ۳۱ برج اسد ۱۳۲۹

مجلس محترم شورای ملی

نمره عمومی ۱۳۰۴۴

کارتون ۱

دوسیه ۲۲

در خصوص برقراری حقوق مرحومه عزیزالسلطنه صبیله ناصرالدین شاه درباره محبوب السلطنه مادر مشارالیه سابقاً به نمره ۶۱۶۵/۳۰۶ شرحی پیشنهاد نمود که برطبق ماده واحده علاوه بر یک صد و بیست تومانی که موافق قانون وظایف از حقوق مرحومه عزیزالسلطنه به مادرش تعلق می‌گیرد، مبلغ دویست و هشتاد تومان فاضل مالیات در حق محبوب السلطنه برقرار شود تا به حال جوابی نرسیده. نظر به پریشانی مشارالیه و این که همه روزه از وزارت مالیه مطالبه جواب می‌نمایم توجیهات مخصوصه نمایندگان محترم را در این خصوص جلب می‌نمایم که هر چه زود تکلیف مشارالیه را معین فرموده و نتیجه آرای مصوبه را مرقوم فرمایند که آسوده شود. امضا، سه شنبه

سند شماره ۳۱

۲۱ شهر شعبان ۱۳۲۹

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

درخصوص برقراری حقوق مرحومه عزیزالسلطنه، در حق این جانب که از طرف وزارت جلیله به مجلس مقدس پیشنهاد شده است قریب سه ماه است منتظر جواب و صدور فرمان است. هر وقت مطالبه جواب از آن وزارتخانه جلیله شده جواب فرموده‌اند که هنوز از مجلس مقدس جواب نرسیده. شرح پریشانی خود و قروض مرحومه عزیزالسلطنه سابقاً مفصلاً به عرض رسیده مستدعی است شرحی اکیداً از طرف آن وزارت جلیله به مجلس نوشته شود زودتر تکلیف این جانب را معین فرمایند آسوده شود. محبوب‌السلطنه

تاریخ سابقه از اداره کابینه جواب از مجلس مقدس خواسته شود

ورود به کابینه وزارت مالیه

نمره ۱۳۰۴۴

۲۲ - ۱

دفتر وزارت مالیه

سند شماره ۳۲



نمره عمومی ۶۱۶۵

نمره خصوصی ۱۳۰۶ تاریخ تحریر ۱۳ سرطان ۱۳۲۹

عزیزالسلطنه صبیة ناصرالدین شاه که تازگی مرحومه شده مبلغ یک هزار و دو بیست تومان حقوق دیوانی داشته و ورثه قانونی او منحصر به نواب علیه محبوب‌السلطنه مادر مشارالیه می‌باشد. در این موقع محبوب‌السلطنه شرحی در کثرت مخارج و قرض زیادی که عزیزالسلطنه باقی گذاشته به مقام محترم نیابت سلطنت عظمی معروض و از پریشانی شکایت نموده است و چون محبوب‌السلطنه معادل دو بیست تومان حقوق شخصی دارد و موافق قانون وظایف بیشتر از یکصد و بیست تومان از حقوق صبیهاش نباید در حق او برقرار شود و ماده واحده ذیل پیشنهاد مجلس شورای ملی می‌شود.

ماده واحده - علاوه بر یکصد و بیست تومانی که موافق قانون وظایف از حقوق مرحومه عزیزالسلطنه به مادرش تعلق می‌گیرد، مبلغ دو بیست و هشتاد تومان در اصل مالیات در حق محبوب‌السلطنه برقرار شود.

امضا ناخوانا ۱۳ سرطان

سند شماره ۳۳

نقش شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره تحریرات مرکز

بتاریخ ۲۴ جوزا ۱۳۲۹

مقام رفیع والا حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه دامت شوکه

مرقومه مطاعه که متضمن سواد عرض حال حضرت علیه متعالیه محبوب السلطنه بود زیب و وصول داد. تفصیلی را که معزی الیها درخصوص فوت دخترش اظهار فرموده و تقاضای برقراری حقوق او را درباره خود نموده بودند مستحضر گردید. جواباً تصدیق افزا می شود که لازم است مقرر فرمایید موافق ترتیب معمول خانم محبوب السلطنه یک نفر از گماشتگان خود را به وزارت مالیه به شعبه صدور فرامین روانه نمایند و فرمان یا سندی که مدرک برقراری حقوق صبیبه ایشان است در آن شعبه ارایه داده و توضیحات لازمه بدهند تا برطبق قانون متوفیات قرار صدور فرمان به طور مقتضی داده شود.

از طرف بزرگزاده عبدالحسین

در کنار صفحه: بجای مرقومه مطاعه نوشته شود دستخط مطاعه

سند شماره ۳۴

دفتر نخست وزیر

تاریخ پاک نویسی ۱۲/۱۰ [۱۳۲۰]، تاریخ ثبت ۱۲/۱۱ [۱۳۲۰]

وزارت دربار شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۵۰۴۰ به تاریخ ۲۰/۱۱/۳۰ راجع به صبیای مرحوم ناصرالدین شاه که از پیشگاه مبارک ملوکانه استدعای بذل مساعدت نموده اند. لذا اشعار می دارد به طوری که از گزارش اداره کل شهربانی مستفاد می گردد، از سه نفری که مستحق کمک تشخیص داده شده اند فاطمه ناصری (شرف السلطنه) شهریه خود را در چند سال پیش به دولت فروخته و فعلاً حقوقی ندارد. دو نفر دیگر زهرای ناصری (انتخار السلطنه) و فاطمه ناصری (قدرت السلطنه) هر کدام ماهیانه هفت صد ریال شهریه دریافت می دارد ولی مشمول مقررات قانون افزایش حقوق که اخیراً درباره کارمندان دولت و بازنشستگان و موظفین وضع گردیده نشده اند و از طریق قانونی نمی توان به آنها کمکی نمود. بنابراین متمنی است مراتب را به عرض پیشگاه مبارک شاهانه برسانند تا در صورتی که اراده سنیه اقتضا نماید نظر به رعایت حال نامبردگان و بالا رفتن هزینه زندگانی آنها نیز مورد عواطف ملوکانه قرار گیرند.

نخست وزیر ۲۰/۱۲/۱۰

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به ابلاغیه مطاع مبارک شماره ۲۰۳۱ به عرض می‌رساند مطابق گزارش اداره آگاهی نسبت به وضعیت زندگانی چهار نفر صبایای ناصرالدین شاه بازجویی شده

۱- فاطمه ناصری (شرف‌السلطنه) در چهارده سال پیش شوهرش مصطفی نام دبیرالدوله درگذشته و دارای دو پسر و چهار دختر می‌باشد. یکی از پسران مشارالیه احمد رجائی ۳۷ ساله کارمند وزارت دادگستری است که دارای عیال و از هفت سال پیش در خارج طهران مشغول خدمت و زندگانی می‌کند و هیچگونه کمکی به مادر خود نمی‌تواند بکند و دیگری رسد بان یک محمد رجائی پایور شهربانی تهران است که دارای ۶۸۰ ریال حقوق ماهیانه و متکفل هزینه مادرش می‌باشد و در ماه هم مبلغ ۳۸۰ ریال کرایه خانه می‌پردازد و اخیراً هم عیال اختیار کرده است. بانوی معروضه هیچ گونه اموال غیر منقولی ندارد و در پنج سال قبل هم شهریه خود را فروخته و در حدود بیست هزار ریال وجه نقد دارد که از سود آن زندگانی می‌کند.

۲- زهرا ناصری (افتخارالسلطنه) شوهرش امیر نوری (نظام‌الدوله) در سه سال قبل درگذشته و از شوهر قبلی خود دارای یک پسر عباس نامی می‌باشد که با ۵۵۰ ریال حقوق ماهیانه در بنگاه راه آهن مشغول خدمت و چون دارای عیال و اولاد است قادر به مساعدتی به مادر خود نیست. بانوی نامبرده چهار دختر هم دارد. یکی در اهواز عیال مخم صنیعی رئیس دارایی، دیگری در شیراز و عیال ثقفی کارمند اداره پیشه و هنر و سومی عیال نصیرزاده درشتی بیکار و دیگری بیوه و شوهرش در پنج سال قبل درگذشته و چهار اولاد دارد. هیچ یک از دختران مزبور قادر به مساعدت با مادر خود نبوده و بانوی نامبرده هم به سختی امرار معاش [می‌نماید] فقط ماهیانه هفتصد ریال شهریه دارد که چهار صد و پنجاه ریال آن زیابابت کرایه خانه می‌پردازد. شوهر اولیه مشارالیه هم ابراهیم امجدی (انتظام‌الدوله) در قید حیات [است] ولی عیال دیگری (دختر امام جمعه تهران) اختیار [کرده] و دارای اولاد بوده و نمی‌تواند کمکی به پسر خود نماید.

۳- خدیجه ناصری (عزالسلطنه) عیال غلامحسین امیر اصلاتی (احتشام‌الملک) است. مشارالیه هم بی‌کار و در تهران دارای خانه شخصی و مقداری هم ملک مزروعی در رشت و اطراف طهران دارد و در مقابل مبالغی بدهکار و دارای دو پسر می‌باشد. یکی حسنعلی امیراصلاتی ۳۶ ساله کارمند وزارت امور خارجه که ماهیانه ششصد ریال حقوق دریافت می‌کند و دیگری هوشنگ امیر اصلاتی ۲۷ ساله که بی‌کار می‌باشد. مشارالیه چهار دختر دارد که دو نفر آنها عیال برادران کامرانی بی‌کار و دیگری عیال حسن نام ایزدی بی‌کار و چهارمی دختر خانه می‌باشد و هیچ یک از آنها کمکی به مادر خود ننموده و بانوی نامبرده هم اموال غیر منقول ندارد و شهریه خود را هم قبل فروخته است. مشارالیه شخصاً دارایی ندارد ولی در خانه شوهرش به سر می‌برد که تا درجه [ای] ثروتمند می‌باشد.

۴- فاطمه ناصری (قدرت‌السلطنه) عیال رضا نام معروف به سرتیپ که در قزاقخانه سرتیپ بوده است و چندی پیش درگذشته و مشارالیه قبل از فوت او طلاق گرفته و از شوهر اولیه خود موسوم به امیر فرهاد (معمدالدوله) دارای دو پسر می‌باشد. فرهاد معتمد ۳۲ ساله کارمند شرکت سهامی تلفون که ماهیانه یک هزار ریال حقوق دارد و دیگر ناصر فرهاد معتمد ۲۹ ساله کارمند بانک شاهنشاهی که در ماه هشت صد ریال حقوق دریافت می‌کند و با مادر خود هم منزل می‌باشد. بانوی نامبرده ماهیانه هفتصد ریال شهریه دارد و ماهیانه هفتصد ریال کرایه خانه می‌پردازد و هیچ گونه اموال غیر منقولی هم ندارد و ب طوری که شخصاً در اطراف وضعیت و تمکن بانوان معروضه بازجویی نموده، به استثنای خدیجه ناصری (عزالسلطنه) عیال احتشام‌السلطنه که شوهرش دارا یتمکن است، سه نفر دیگر و مخصوصاً زهرا ناصری (افتخارالسلطنه) از حیث معیشت بی‌نهایت در مضیقه و قابل رعایت می‌باشد و متمنی است مراتب را از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی بگذرانند.

رئیس اداره کل شهربانی

رونوشت برابر بر اصل است امضا (ناخوانا)

تاریخ ۱۳۲۰ / ۱۱ / ۳۰
پست



تحت
شماره ۵۰۴۰

محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

سپایان درسم ناصرالدین شاه عرض حال ای متعدد دی به پیشگاه مبارک ملوکانه تقدیم و از
 سابق وضعیت زندگانی خود شکایت و استدعای عطف توجه و مساعدت نموده بودند موضوع
 استدعا برای بازبینی از استحقاق نامبردگان بنا بر فرمان مطاع باداره کل شهرمانی مراجعه
 گردید و ادارات مذکور هم در ضمن گزارش شماره ۱۱۲۲ / ۱۵۳۰۳ عدم تمکن سه نفر از آنان
 را (زهرا ز ناصری) (استخار السلطنه) ۲ - فاطمه ناصری (قدرة السلطنه) ۳ - فاطمه
 ناصری (سرة السلطنه) تأیید و مستحق کمنا و رعایت تشخیص داده اند .
 پس از گذشتن مراتب از شرفه در پیشگاه مبارک مقرر فرمودند موصی استدعای نامبردگان به
 نسبت و زوری ارجح نبود که نسبت برافروختن امور معاصر آنان از طریق قانونی آنمقدار که میسر
 باشد توجه و مرشوری معروضه دارند .
 بنابراین در از رای فرمان مبارک رونوشته عرض حال بانوان نامبرده و گزارش اداره کل شهرمانی
 در این خصوص بدیجه تقدیم میشود تا مورد اقدام لازم قرار داده و نتیجه راهم برای گذشتن
 از شرفه در پیشگاه مبارک اشعار فرمایند .

پس ترغیب سلطنتی
اسکن

۶۸۷۵۵
۲۰/۱۲/۱۱

اخطار قانونی

- ۱ - بر هر يك از صاحبان حقوق در دار الخلافه و ولايات واجب و متحمم است كه تर्फه طایه حقوق خود را بهر سببه و بخرج هر كجا منظور باشد بخويك در این ورقه توضیح شده است نوشته امضاء نمایند .
 - ۲ - هر صاحب حقوق كه میزان كل حقوق خود را بهر ملاحظه كه باشد كتر قلمداد كند همان قلمدادی او برای آتیه سند دیوان خواهد شد .
 - ۳ - هر صاحب حقوق كه در نوشتن ترفه بهر عذری كه باشد کوتاهی و تسامح نماید و بتكالیفی كه در ماده (۶) معین شده عمل نکند در آینده خود را از حقوق كه داشته است محروم خواهد ساخت .
 - ۴ - هر صاحب حقوق كه میزان حقوق خود را بیش از آنچه دارد قلمداد كند باندازه همان قلمدادی اضافه از حقوق اصلی او كسر خواهد شد .
 - ۵ - هر صاحب حقوق كه در تعیین محل و اسم و سایر توضیحاتی كه در این ورقه مسطور است اشتباهكاری نماید از حقوق یكساله خود محروم خواهد ماند .
 - ۶ - از روز انتشار اعلان راجع بترفه ها هر مری ولایتی مدت دو ماه به صاحبان حقوق مهلت داده خواهد شد كه آمده ترفه های خود را بنویسند . اگر كس در ظرف این مدت بتكلیف خود عمل نكرد اظهارات او پس از آن پذیرفته نخواهد شد .
 - ۷ - هر صاحب حقوقی در موقع نوشتن ترفه باید فرمان یا دستخط یا مستند دیگری كه در دست دارد ارائه دهد .
 - ۸ - صاحبان حقوق باید تصدیق مستوفی محل یا ربات نویس را كاپی را مبنی بر صحت و بر قرار بودن حقوق خود در حین امضای ترفه ارائه بدهند . و اگر حقوقی بخرج چند محل منظور است از مستوفی هر محل باید تصدیق داشته باشند .
 - ۹ - مستخدمین ادارات باید در موقع امضای این ترفه از وزیر پاریس خواهشان تصدیقنامه در دست داشته باشند .
 - ۱۰ - صاحبان حقوق باید حواشی خود را در موقع امضای ترفه اثبات نمایند . (این اثبات در صورت لزوم بتصدیق معاویف محل خواهد بود) .
 - ۱۱ - هر كس بواسطه عذر مشروعی شخصاً از حاضر شدن برای امضای ترفه منوع باشد می تواند دیگری و كالت بدهد .
- در این صورت و كیل من بود باید دارای اسناد لازمه بهر صاحب حقوق بوده صلاحیت دادن توضیحات لازمه را داشته باشد .

ملاحظات

بمهره امضاء ۱۳۰۳۴۵
 حواله نمودن سند در مورد ترفه حقوق از قوم از زنده اسناد است
 خداوند بجزیر در برقرار است
 زنده در این اسناد
 امضاء

بمهره امضاء
 حواله نمودن سند
 خداوند بجزیر در برقرار است
 زنده در این اسناد
 امضاء

۵

۲۲ - ۵۸ ۵۲

حرف تو

در کتب چند مورخین بزرگ علمای

دعای خود را در او و در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

در این طلب همه روزها در علم بود و در او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

حرف در آن روز در حق او می خواندند و در روز دوشنبه

این کتاب در کتابخانه ...
تاریخ ...
محل ...



کتابخانه نیابت - لایحه علمی
سواد هریز کورج
مورخه ۱۳۹۷/۱۲/۱۵
مرد

بجای تقدیر نامه از طرف هیئت مدیره

بسرمد لعل شایسته شیده به نام لایحه تقدیر نامه از طرف هیئت مدیره
که در خصوص فعالیت‌های ارزشمند و خلاقانه شما در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی
در طول سال گذشته در دانشگاه گوارا و در سطح ملی و بین‌المللی
حقانیت‌ها را به اثبات رسانید و به افتخار و اعتبار دانشگاه گوارا
و به نام هیئت مدیره تقدیر و تشکر می‌نمایم. امید است با تکیه بر توانمندی‌ها
و اشتیاق‌ها در سال آینده نیز موفقیت‌های بزرگ‌تری را در پی داشته باشید.
با احترام و تقدیر مجدد از طرف هیئت مدیره

۲۲ - ۱
کتابخانه نیابت - لایحه علمی
سواد هریز کورج

تاریخ ثبت سند
۱۳۹۷ خرداد ۱۳
روز ۵۹۲، ۵۹۱

ادامه اطلاعیه هیئت مدیره



وزارت مالیه

اماره
خراسان مکرمان
۱

(شرح دوسیه)

ملاحظات	شرح مراسلات	نمبر کتاب ثبت	بتاریخ	نمبر
۱	طایفه کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۴۲		۱
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۰۰		۲
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۴۵		۳
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۶۱		۴
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۶۲		۵
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۶۲		۶
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۹۲		۷
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۲۰		۸
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۷۸۰		۹
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۸۵۲		۱۰
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۲۱		۱۱
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۹۲۰		۱۲
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۰۲۳		۱۳
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۰۲۵		۱۴
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۰۸۳		۱۵
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۰۹۰		۱۶
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۰۹۱		۱۷
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۱۰۷		۱۸
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۱۲۷		۱۹
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۱۳۳		۲۰
۲	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۱۳۳		۲۱
۱	نوع ۱۳۴۱ موزون کسب و کارهای ۱۳۴۱	۱۱۳۳		۲۲

ولایت تهران ۱۳۳۸

تعارف آراء با حقوق

نمبره

اطلاعات اولی

اسم صاحب حقوق و اگر دردی باشد اساسی ذکور و انث	سن	اسم پدر	اسم طایفه یا خانواده	اهل کجا؟	عمل اقامت شهر کجا یا قریه	صکایه حقوق تقدی و جانی و هر صیبه و بخرج هر کجا منظور باشد	
						اسم و لقب	جود مبلغ و مقدار حقوق یا تشخیص محل میزان کل حقوق
عزیز خان	۳۲	محمد نوری	وف	دره تپه	دره تپه	حقوق جانی و جانی و هر صیبه و بخرج هر کجا منظور باشد	میزان کل حقوق

تحقیقات

زوال	واب
(۱) شغل و حرفه شما چیست؟	
(۲) در کدام اداره مستخدم هستید؟	
(۳) حقوق شما شخصی است یا موردی؟	موردی
(۴) از چه تاریخ این حقوق در حق شما برقرار است؟	۱۳۰۳
(۵) بموجب فرمان است یا دستخط یا حکم؟	بوجوب فرمان است
(۶) سال چه قدر مالیات بدیوان میپردازد؟	

عل مهر صاحب حقوق
 [Signature]

[Signature]

[Signature]

ر.ه و ک.ا.ف.ه وزارت مالی

تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۳۲

شماره سند ۵۵۱۹
مقامین حضرت مستجاب اجل اکرم ارفع از طرف اسفند

وزیر عالییه دولت سرکشته کیم کینه کان بعد از متذوق شدن

و مخانه بر عهده نام همیشگی و طالب سلام دارا حقوقی بر عهده

در دوزخ قبل تمام درینت و میبشت خود را میبندد زایم

در حق آنکه تمام ملک می خرد و طبع همه

حق دولت تمام حقن میبندد بنیت

و خاطر مبارک را در این نوع بمضون این بر عهده

گفت پیغمبر که رحم آید بر حل من کان میبندد

بروزم و اجابت برین بنسیر کردید ام از این

مقولی از مظهر لطف حق تمسید اکتفا در تمام

در هر بی موهن حقوق برین نه دیان

بلکه بر حمت آن بر که از هم تا نه از

اسفند
وزیر عالییه دولت
مقامین حضرت مستجاب اجل اکرم ارفع از طرف اسفند



تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۳۲
شماره سند ۵۵۱۹
مقامین حضرت مستجاب اجل اکرم ارفع از طرف اسفند

۹۳۶۵

خون این بنده خدایم را بطله و کله در کله بدین صانع بزرگواران کسب زلفش

مات کسیر و کسیر را در شش فرزند چون الفیض خردمندم لکن

برجبان زنده و نیران و اهل تمام زلفش جو کلمات

زنده کسیر و کسیر را در شش فرزند چون الفیض خردمندم لکن

مات کسیر و کسیر را در شش فرزند چون الفیض خردمندم لکن

برجبان زنده و نیران و اهل تمام زلفش جو کلمات

زنده کسیر و کسیر را در شش فرزند چون الفیض خردمندم لکن

مات کسیر و کسیر را در شش فرزند چون الفیض خردمندم لکن

بالات در تمام این صفت
صفت این صفت این است

مدرخان در تمام این صفت
مدرخان در تمام این صفت



۹۳۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم
 تعداد ثبت فدرال در بهار ملوک غده خیمه ای که در کربلا
 در شهرت همسر عدس کج در شهرت همسر عدس کج در شهرت
 الی الخ



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی